

انقلاب ایران در مقابله با تجاوز آمریکا - رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران بخش دوم - پاسخ به برخی مسائل حاد روز

امام خمینی:

امروز طرجهائی که اینها (دشمنان انقلاب)

میخواهند پیاده کنند، از آنوقت شدیدتر است

\* من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود و هندوار مردم به پاسداران ، قوای نظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته شود

تفسیری

پیرامون کارنامه ۴ ساله کار ترو نتایج انتخابات آمریکا

نامه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۶۵ شنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۹ ، مطابق با ۲۹ دی ماه ۱۳۰۰ ، بهای ۱۵ ریال

امپریالیسم آمریکا دشمن فعلی و همیشگی ما

امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را بنیان شیطان بزرگ و دشمن اصلی انقلاب و مردم ایران که همه بدبختیهای ما از اوسته و باید همه فریادهای ما بر سر او کشیده، نام بردماند و در مورد این امر که شاید آمریکا تا ۵۰ سال دیگر دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران برندارد، هشدار دادماند. امام خمینی در سخنان اخیرشان هنگام دیدار با دانشجویان مسلمان پیر خط امام، بار دیگر از آمریکا به عنوان دشمن فعلی و همیشگی ما نام بردند.

دست از سر ما برندارد داشته. حجت الاسلام خوئیها در سخنرانی بنسبت ۱۳ آبان در لانه جاسوسی، گفت: برادران و خواهران انقلابی و مبارز مسلمان! باید آروز که شعار هرگز بر آمریکا از زبان ما نیفتد، تکند با شعار دیگر، جای شعار هرگز بر آمریکا را پر کنند... و تا ایران هست و تا اسلام هست و آمریکای جهاننوار هست، بزم برای همیشه آمریکا دشمن ملت است. امام قنقلیا بسمت آمریکا باید نشانه برود. امام قنقلیا باید علیه آمریکا بکار گرفته شود.

انقلاب اکتبر و ایران توطئه مالکان بزرگتر روحانی نمایان شکست خورد. هیئت های ۷ نفری نوبت شماست، عمل کنید!

درود و افتخار بر دانشجویان مسلمان پیر و خط امام که آغازگر فصلی درخشان از نبرد ضد-امپریالیستی مردم خود شدند

حرکت سیاسی نو و وحدت - آفرین که روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، با تصرف جاسوسخانه آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیر و خط امام آغاز شد، بازتاب حرکت ضد-امریکائی توده ها و تعلقه شناختن و بکار ضد-امریالیستی مردم بود که با فریاد شمار «بعد از شاه نوبت آمریکاست» آماج نبرد آتی خود را، با هوشتندی نشانه رفته بودند.

حجت الاسلام خامنه ای:

باز هم با امریکامی جنگیم، زیرا آمریکا ظالم است، زیرا مستکبر است، زیرا جهاننوار است، زیرا با اسلام مخالف است، با استقلال ملت ما و همه ملت های مستضعف مخالف است...

خورشید و شقایق

خانها آبادان، آبادان که سراها سپر خلق منی خرمسرا، خرمشهر! - که چو بر جای بماند ایران- جان بکف رستم خونینه تنی! \* \* \* همسدره کسر شامگاهان پیر دشت شهیدان غفتند زود باشد که چو خورشید پدیدار شوند، یا به فصل دیگر چون شقایق بدل دامنه بیدار شوند. \* \* \* پشت هر بام و در و خانه و کوی پشت هر دار و درخت پس هن سنگ، سر کوی و کمر سنگر ماست. در ره خلق بجان میرزمیم، تن به تن می جنگیم، میرهانیم وطن را، که وطن مادر ماست \* \* \* کر در این جنگ که ما را با امریم هست داغدار همه یاران خوشایمان شده ایم؛ تقه همان در تک این تاریکی لای لا کوی شهیدان شده ایم؛ بار دیگر که برآیم سزا را با صلح بار دیگر که بسازیم ظفرمند سرود دست در دست و بهم پائی آن توده که هست شادمان، از دل و جان، میفرستیم به یاران به خون غفخته درود. سیاوش کسرانی ۲۸ مهر ۵۹

موامل آمریکائی و بقایای پوسیده مزدور ساواک منعله هنوز هم در میان جامعه ما هستند که این سوال را مطرح می کنند که چگونه با آمریکا خواهد جنگید؟ بهزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرالی): آمریکا خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته و شبانه روز در خدمت عراق است

آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرالی در مراسم نماز جمعه دیروز دانشگاه تهران و پیش از شروع خطبه های نماز جمعه طی سخنانی نکات مهم را خاطر نشان کرد. وی از جمله گفت: همه مردم باید توجه کنند که صرف خودشان را کم کنند. وقت کنید برادرها ما قریب آمدن چیزی را داریم از خارج وارد می کنیم. اینروزها که بنادر مسان اشکلاتی در آنها پیش آمده، اینروزها که مسئله واردات مسئله نیازمان به وسائل حمل و نقل مطرح است، ما الان می فهمیم که تقریباً ما هر چیز را که می خوریم از خارج وارد می کنیم، هر چیزی را که می پوشیم، از خارج وارد می کنیم. باید به این فاجعه یکرزوی خانه بدهیم. کن بهترین شرایط است؟ همین الان، همین الان که ما خودمان را برای یک مبارزه

رفیق سیمین سلامی زاده هنگام انجام وظیفه در جنگ عادلانه بر ضد تجاوز امریکائی صدام شهید شد

رفیق سیمین سلامی زاده، که بتوان وضو گروهامداد در یکی از بیمارستانهای خوزستان کار میکرد، هنگام انجام وظیفه در جنگ عادلانه برضد تجاوز امریکائی صدام علیه سیمین انقلابی ما بشهادت رسید. شهادت رفیق سیمین سلامی زاده را به بازماندگان رفیق شهید و همه رفقای حزبی سیمین تسلیت میگوئیم و تجدید بیان میکنیم که راه برانتخارش را ادامه دهیم. جزئیات شهادت رفیق سیمین سلامی زاده و شرح زندگی و مبارزه وی بعداً به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



### پیروزی‌های چشمگیر جبهه آزادیبخش فارابوند و مارتین در السالوادور

جبهه آزادیبخش فارابوند و مارتین سازمان دربرگیرنده نیروهای چپ‌السالوادور، در چند روز اخیر پیروزی‌های چشمگیری بر ارتش مزدور رژیم دستنشانده کشور بدست آورده است. در نواحی شمالی و مرکزی یک نیروی پنج هزار نفری ارتش، که برای سرکوب نیروهای رزمنده و مردم مسلح اعزام شده بودند، شکست‌های جدی متحمل شده و مقصحاته عقب نشینی کرده‌اند.

جبهه آزادیبخش فارابوند و مارتین اعلام کرد که مستشاران آمریکائی رهبری نظامیان مزدور السالوادور را در این عملیات در دست داشته‌اند. در نواحی آزادشده شمال کشور دولت انقلابی تشکیل شده است.

از سوی دیگر گروه‌های راستگرای فاشیست در برابر گسترش مبارزه خلق به جنایات خود ادامه می‌دهند. در چند روز اخیر صد هفتاد نفر دیگر بوسیله نیروی‌های راستگرا، که از حمایت رژیم السالوادور و آمریکا برخوردارند، کشته شده‌اند.

### امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱  
تخت و بخت‌منورشان را بهم زده هیچکس دیگری در ایران امروز منکر واقعیت‌های فوق‌الذکر، که از زبان دهر انقلابی مسئولان مستبد کشور بیان میشود، نیست.

امپریالیسم آمریکا، چه هنگامی که دیروز کزتر در راس امور آن بود، چه فردا که ریگان می‌آید، بزرگترین دشمن خلق ما و همه خلقهای جهان، قلدترین غارتگرها، ماجراجوترین دشمن صلح و ستاد خونخوارترین و غدارترین و حيله‌گرترین خصم هر نوع اندیشه و استقلال و آزادی و شرافت و حیثیت انسانی خلقها و کشورهای جهانست. ادا و اطوار دمکراسی‌بازیه که هر چند سال یکبار توطئه قدرت را از یک حزب امپریالیستی به حزب دیگر امپریالیستی و پس از چند سال از این آخری به آن اول پاس میدهند نیز خود یکی از مکانیسم‌های ایجاد و نگهداری این دستگاه قلدری و ماجراجویی و حيله‌گری و توتخوازی است. آمریکا امپریالیستی، همه‌ترین ستاد ارتجاع و ضدانقلاب سراسر جهان، سازنده و مدافع همه رژیم‌های تزامرست، ضدانقلابی، کودتائی، سبونیست و قلدردنیا، مرکز توطئه‌های ضدانقلابی، تهاجمات و تجاوزات به استقلال و حقوق خلقها و کشورهای پناهگاه زرنالها و سلطانبها و امپراطورها و پادشاهان ضدانقلابی سرپگون کشته و رانده شده، مرکز تجمع میلیاردها ثروت غارتی از پنج قاره جهان، نمونه کلاسیک کانتکتر بشام منا در مقیاس سراسر جهانست.

از آرزوی که امپراطوری انگلیس پشمتی ریخت و جای منحوس او را امپریالیسم تازه‌نفس آمریکا گرفت - بطور مشخص، پس از پایان جنگ دوم جهانی - با امروز در دنیا فاجعه‌ای در زندگی خلقها و کشورهای رخ نداده که امپریالیسم آمریکا در آن دست نداشته باشد. فلسطین، کره، ویتنام، کوبا، کنگو، مصر، آنگولا، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر دنیا قربانیان کودتاهای تهاجمات، توطئه‌ها، تخریبات و فشارهای آمریکا بوده‌اند. ما مردم ایران از همان سالهای جنگ دوم جهانی با کارشناسان و مستشاران و جاسوسان و کارگزاران آمریکا روبرو شدیم. کودتای تنگین ۲۸ مرداد اسارت کشور ما در چنگال آمریکا را وارد مرحله جدیدی کرد و عملا کار استقلال و آزادی کشور ما بدست رژیم منفور پهلوی دستنشانده آمریکا بناپودی کشید. و با تحمل چه رنج و هفتاب و به قیمت چه فداکاری و قربانیانی توانستیم رژیم مستبد نشانده آمریکا را سرنگون سازیم...

ولی از همان روز پس از پیروزی انقلاب تا با امروز با توطئه‌های آمریکا روبرو هستیم و تا روزی که نظام جمهوری اسلامی ایران آنتی‌ان استقرار و لیت و استعکلی نماید که خود بخود آمریکائی جهانخواه را با یس و نومیی مواجه کند، توطئه‌های آمریکا علیه کشور ما همچنان ادامه خواهد یافت. چند علت از علل عمده خصومت مدام و آنتی‌ناپذیر آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بقرار زیر است:  
اولا - جمهوری اسلامی ایران در آن منطقه جهان که باید آنرا کلید ذخایر نفتی خاورمیانه محسوب داشت، چون شمشیری بر رگ حیات کارتل بین‌المللی نفت قرار گرفته است و با همه گفتن در برابر این غارتگر بین‌المللی نفت یک بدبسته انقلابی ایجاد نموده که رهبای نوکران کارتلی را در منطقه بشورش علیه غارتگر جهانی و نوکران محلیش تنویق و ترغیب میکند. کارتل جهانی نفت تحمل یک چنین راه و رسم جدیدی را نمی‌کند و تا بتواند بازهم تحمل نخواهد کرد.

لاتیا - جمهوری اسلامی ایران یک کشور سر و چندمیلیونی را با اینهمه ثروت و امکانات شگرف از جنگ همه امپریالیستیا بدر آورده و اعلام نموده است که آنچه در ایران هست و مربوط به ایرانست، مال ایرانست. کم کردن یک چنین مبارزاتی برای انصارات امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و ژاپن ضررت گنج-کنندمایست و می‌تواند کشورهای همانند ایران را هم علیه این انصارات بشورشاند.

### ماهیت دمکراسی نوع آمریکائی، باردیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری آشکارشد

علیرغم هیاهوی دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی درباره «انتخابات آزاد» و «دمکراسی آمریکائی»، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، آمار و ارقام پوچ بودن این تبلیغات ریاکارانه را بخوبی نشان می‌دهد. از مجموع صدوشصت و پنج میلیون نفر واجدین شرایط در انتخابات، تنها حدود هشتاد میلیون تن در انتخابات شرکت کردند، یعنی بیش از نیمی از رای‌دهندگان، بدلائل مختلف، بویژه سرخوردگی از نظام اجتماعی کشور، از شرکت در انتخابات خودداری کردند. نکته جالب اینکه از دهه ۱۹۶۰، این نسبت دوبار افزایش یافته است. کسانیکه از شرکت در انتخابات خودداری می‌کنند، میخواهند بدین وسیله مخالفت خود را با همه فامزدها نشان دهند. تورم، بیکاری، کساد، تبعیض‌نژادی، سرکوب حقوق اقلیتها و غیره، امتداد زحمتکشان را نسبت به نظام اجتماعی آمریکا سلب میکند.

### حل سیاسی «مسئله» افغانستان تنها از راه مذاکره میان این کشور و همسایگانش امکان‌پذیر است

روزنامه «ایزوستیا» چاپ شوروی اعلام کرد که حل سیاسی مسئله‌ای که در اطراف افغانستان ایجاد شده، تنها از راه مذاکره میان این کشور و همسایگان آن بویژه پاکستان امکان‌پذیر است. ایزوستیا اضافه کرد که اتحاد شوروی از پیشنهاد دولت افغانستان در ماه گذشته درباره عادی کردن روابط با همسایگان حمایت میکند. ایزوستیا نوشت که در ارتباط با این حل و فصل سیاسی، مساله خروج نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی از افغانستان نیز خودبخود

حل خواهد شد. از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه‌ای گفت: «تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلسلگزارند. بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می‌شده.

### درد و ...

لاتیا - جمهوری اسلامی ایران در یک نقطه بسیار حساس استراتژیک جهان و در کشوری که بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر با اتحاد شوروی - بزرگترین دشمن امپریالیسم جهانی - مرز مشترک دارد و تا قبل از انقلاب بطور مرتب در اختیار پتاکون و سیا و مستشاران آنها قرار داشت، یک نظام صلح‌نوست حضور جامعه کشورهای غیرمتصد بوجود آورده است. در سایه نظام جمهوری اسلامی ایران، ایران از همپالکی اسرائیل و رژیم سادات و افریقای جنوبی به دوست و برادر و همراه جنبش آزادیبخش فلسطین، سوریه، لیبی و الجزایر تبدیل شده است. از یک کشور متجاوز و سرکوبگر جنبش‌های رهائی‌بخش خلقهای همسایه به یک کشور پشتیبان جنبشهای رهائی‌بخش خلقهای اسیر منطقه استحاله یافته است. امپریالیسم جهانخواه تاب تحمل این فزاین مضاعفه را ندارد و نخواهد داشت.

امپریالیسم جهانخواه باخروج ایران از مدار جنگ‌افروزان جهانی یک بازار حداقل ده میلیارد دلاری سالانه فروش اسلحه را از دست داده است و این فضاویه به تهبایی برای مجتمع نظامی-صنعتی آمریکا کافی است تا فتوای هر دیوانگی را در مورد ایران صادر کند.

کسانی که می‌گفتند و هنوز هم می‌گویند که گویا «دگروگن-گیری» است که آمریکا را علیه ما برانگیخته است، باید بدانند که جنگ آمریکا با ما بطول ۵۲ جاسوس نیست، بخطر نقض اصول دیپلماتیک بین‌المللی و اشغال جاسوسخانه هم نیست. آمریکا خود ایران را از ما می‌خواهد - و به آن تلاشی که در بالا قسمتی از آنها را شرح دادیم می‌خواهد، نه بدست چیز دیگری. آمریکا می‌خواهد ایران از دستاوردهای انقلابی خودش دست بردارد و از نو آفتی و سلطه آمریکا را قبول کند. تمام آنچه که آمریکا خود مستقیماً درباره کشور ما انجام میدهد و یا بدست دستنشانده‌گانش در منطقه و یا ضدانقلاب و لیبرالهای ایرانی در اجرای آن می‌کوشد، برای بازپس گرداندن «بهشت گمشده» است. آمریکا میکوشد یا از طریق مسخ انقلاب و منحرف‌ساختن آن از راه درست و یا از طریق اعمال زور، جمهوری اسلامی ایران را از میان بردارد و نوکران خود را بر ایران بگذارد - خلاصه مطلب اینست. لذا همه کسانی که آمریکا را دشمن اصلی و نیرد با آمریکا را یک نیرد سرنوشتماس و درازدست میدانند و مردم را به آگاهی و هشیاری در مقابل خطر آمریکا دعوت می‌نمایند، دوستان و مدافعان صدیق و واقعی انقلابند. و همه کسانی که میکوشند به نوعی از انواع و طریقی از طرق، شمار ضدآمریکائی را از میدان بردارند و یا در کنار آن یک شمار موهوم دیگر علم کنند و در کنار دشمن اصلی واقعی یک دشمن غیرواقعی بترانند، چه میخواهند و چه نخواهند، انقلاب را به گمراهی می‌برند.

به همت رهبری پادربایت انقلاب و مسئولان آگاه و متصد جمهوری اسلامی ایران، خلق از بند رسته ما راه پیروزی نهائی انقلاب را بدست می‌تشنیم داده است و محافل گمراه‌کننده روز بروز بیشتر از صحنه بیرون میروند. در نیرد تاریخی که علیه امپریالیسم سرکردگی آمریکا برهمه نسل کنونی ایران افتاده است، بزرگترین وسیله پیروزی قلمی، اتحاد و انسجام همه خلق و همه نیروهای وفادار به آرمانهای انقلاب تحت رهبری امام خمینی است. آمریکا بمان اندازه که قلدرد و خونخوار و غدار است، به همان اندازه نیز از اصل یوسیده و گزندپذیر است، زیرا که از سوئی خود اسامش بر جور و ستم و غارت قرار دارد. و از سوی دیگر با جهانی روبروست که دیگر در سلطه دربست امپریالیسم و استعمار و بردگی قرار ندارد. تاریخ مبارزات انقلابی دهها خلق و کشور جهان ثابت میکند که توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را می‌تواند نقش بر آب ساخت و انقلاب را از میان همه تلاطمات و طوفانیا بسدی پیروزی قلمی و نهائی ببیش برد. ما به سرشت خجسته انقلاب، به قاطعیت رهبری انقلاب و به آمادگی خلق رشیدمان برای فداکاری، ایثار و تحمل هر رنج و مشقتی بخاطر آرمان استقلال و آزادی افتخار راسخ داریم.

امام خمینی، آنانرا مسوجب سرفرازی ملت خواند. امام خمینی گفت:

«دانشجویان مسلمان و مبارزی که لاله جاسوسی را اشغال کرده‌اند، باعث انقلابی خوششان ضررهای بزرگ بر یکر امریکائی جهان-خواه وارد آوردند و ملت را سرفراز کردند»

افراد بدلیران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تصرف جاسوس-خانه، علیرغم همه خطراتی بود که آنانرا تهدید می‌کرد چه‌پسا که قلبهای سرشار از غرورشان، آماج تیرهای آنتی‌زهای تنگداران امریکائی مستقر در جاسوسخانه قرار میگرفت؛ چه‌پسا که فاجعه طینش در حالی دیگر و شرابطی دیگر، به صحنه می‌آمد و این جوانان تسلیم‌ناپذیر برسر اقدام دلورانه خود چن می‌باختند چه پسا که دیوانگی امپریالیسم‌هاز امریکا، این جانبهای شسته‌آزادی و استقلال مبین را باخطر نابودی مواجه می‌ساخت. اما این دلیران جانباز نشان دادند که در بند حفظ جان خود نیستند و نجات انقلاب و مبین انقلابی و ایجاد فضائی که در آن برای «منافع امپریالیسم آمریکا» چنی نباشد، بزرگترین مقصد و آرمان‌شان است. شورای مرکزی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در پایان یکمین سال اشغال جاسوسخانه و اسارت گروگانها، این مفهوم را چنین بیان میکند:

«چنه ضلعت‌صاری انقلاب اقتضا میکرد که منافع امریکا مدنظر قرار نگیرد»

فصل درخشان از مبارزه‌نشد امپریالیستی مردم مبین ما، با تحویل گروگانهای جاسوس به دولت انقلاب پنهان رسیده، ولی به گفته‌درست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:

«تصمیم‌گیری درمورد قضیه گروگانهای جاسوس به هفتای پانین یافتن مبارزه با امریکالیست، آری، نیرد یا شیطان بزرگ و تمام توطئه‌ها و دسیسه‌های ضد مردمی آن تا ریشه‌کن‌ساختن نفوذ امپریالیسم درمبین ما، تا پیروزی قلمی و نهائی انقلاب ادامه خواهد یافت.

اقتضای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، این جوانان رشور رزمنده که آغاز گرفتارشدنشان از این نیرد بودند و از این‌پس نیز با مردم خود در این آوردگاه مرگ و زندگی همپا همگام‌اند.

# ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا منصوب شد

## تفسیری پیرامون کارنامه ۴ ساله کارتر و نتایج انتخابات آمریکا

به گزارش خبرگزاری‌ها، جمعی کارتر در بامداد روز چهارشنبه، ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹، در "هتل وانینگتن" اعلام داشت، بنا به قولی که چهارسال پیش به مردم آمریکا داده و متعهد شده است که هیچ‌گاه حقیقت را از آنها پوشیده نگاه ندارد، باید به "حقیقت‌دردناک شکست انتخاباتی خود اعتراف کند! وی افزود که، فرشادبانی به رانالد ریگان، پیروزی وی را شریک گفته است. واقعا هم حقیقت آنستکه بموجب گزارش‌های کنونی، ریگان بیش از پنجاه درصد آرا را بدست آورده و به ریاست جمهوری آینده آمریکا برگزیده شده است. لابد باید جای خوشوقتی باشد، که آقای کارتر بالاخره پس از چهارسال یکی از وعده‌های بی‌شمار انتخاباتی خود را به یاد می‌آورد و لاف‌ها بیکار مجبور به اعتراف حقیقت می‌گردد.

جمعی کارتر، چهارسال پیش در مبارزه انتخاباتی خود، به پیروی از سنت همه سیاستمداران کشورهای غربی و بویژه نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا، چه وعده‌های رویا-انگیزی که به مردم آمریکا نداد، وی بارها عهد یاد کرد که درگستره داخلی به حل مسائل مبرم، بویژه در زمینه اقتصادی - اجتماعی، بپردازد و در پهنه سیاست خارجی تنش زدایی و پاسداری از صلح را هدف دولت خود قرار دهد. اما حقیقت آنست که پس از گذشت چهارسال، آمریکای امروز با دشوارترین مسائل اقتصادی - اجتماعی روبروست و سیاست خارجی ماجراجویانه و برزینگی فرموده کارتر، بویژه در ماه‌های اخیر، آمریکا و جهان را با یکی از خطرناک‌ترین دوران‌های پس از جنگ دوم جهانی مواجه ساخته است.

طبق گزارش‌های رسمی، شماره بیکاران در آمریکا از "جنگ تمام‌عیار!" کندی علیه بیکاری تاکنون از ۲/۹ میلیون به ۸/۲ میلیون افزایش یافته است. بدین‌سان، اینک ۷/۲ درصد نیروی کار آمریکا بیکار است. این درصد در میان اقلیت‌های غیرآمریکایی از این نیز بیشتر است و در میان جوانان سیاهپوست به ۳۶/۶ درصد رسیده است و به نوشته "مجله" "تایم"، "اینک در شهرهای گوناگون به ۴۰ و حتی ۵۰ درصد افزایش می‌یابد". نرخ تورم آمریکا اکنون بیش از ۱۳ درصد است. پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری، فرآورده اجتماعی قدرتمندترین کشور سرمایه‌داری جهان یک درصد کاهش یابد. بودجه اجتماعی سال آینده تنها ۲۲۰ میلیارد دلار خواهد بود، که افزایش آن تقریبا برابر نرخ تورم است.

از سوی دیگر، از هر دلاری که دولت آمریکا خرج می‌کند، ۲۲ سنت آن به مصارف تبلیغاتی می‌رسد. نه پیشنهاد دولت کارتر و تصویب کنگرس آمریکا، میانگین رشد هزینه‌های تبلیغاتی ایالات متحده تا سال ۱۳۶۴، ۴ درصد، یعنی حتی یک درصد بیشتر از رقمی خواهد بود که "ناتو" سه سال پیش تعیین کرد. فلاکت اقتصادی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تبلیغاتی پیامد سیاست تنش‌فزایی و دیپلماسی جنگ افروزان است - که "باز"ها و هارتین محافل بی‌تجرب نظامی - صنعتی مدت‌هاست بر دولت کارگزار خود تحميل کرده‌اند. تشبیهات بی‌دری کارتر - برزینگی علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران، که آخرین نمونه آنها را در جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه کشورمان مشاهده می‌کنیم، تنها یکی از وجوه متعدد سیاست‌تنش‌فزایی همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان است.

یادآور می‌شویم که جمعی کارتر در نخستین سخنرانی خود بعنوان رئیس جمهور ایالات متحده در برابر کنگرس گفت: "عهد ما در برابر حقوق بشر باید مطلق باشد". وی در سخنرانی دیگر اعلام داشت: "من شب و روز از هیچ‌گونه کوششی در این راه دریغ نوزیرمادم که احترام به حقوق بشر در همه اعمال دولتماند

تجلی یابد" (۱۴ آذر ۱۳۵۹). جمعی کارتر نزدیک به یکسال بعد تاکید کرد: "ناهنجاریکه من رئیس جمهوری هستم، دولت ایالات متحده در سراسر جهان در راه رعایت هرچه بیشتر حقوق بشر گام برخواهد داشت" (۱۵ آذر ۱۳۵۷).

براستی هم، کارتر و جارچیان مزدور امپریالیسم آمریکا مدت‌ها گوش جهانیان را با تبلیغات حيله‌گرانه و مزورانه خود پیرامون "حقوق بشر" آزرده و بی‌بوده تلاش ورزیدند تا به خیال خود از این راه دستاوردهای سترگ کشورهای سوسیالیستی، ارائه‌کنندگان و پشتیبانان حقوق بشر زاستین را، تحفه کنند. ولی، چنانکه حتی ویلیام ف. باگلی، روزنامه‌نگار محافظه‌کار آمریکایی، چندی پیش ضمن ارزیابی کارنامه کارتر در مجله "فارین افیز" مجبور به اعتراف شد: "البته همه کسی میداند که دیگر از تمام‌بنای سیاست حقوق بشر آقای کارتر جز ویرانه‌ای باقی نمانده است".

همچنین هفته‌نامه "یواس. نیوزاند ورلد ریپورت" در بررسی دوران ریاست جمهوری جمعی کارتر نوشت: "در مورد حقوق بشر، مشاوران استراتژیک ایالات متحده در برخی گستره‌ها اولویت یافت" (۲۱ شهریور ۱۳۵۹). چنانکه میدانیم، یکی از این "ملاحظات استراتژیک"، تمرکز بی‌سابقه بر بزرگترین نیروی نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس است، که آقای کارتر آنرا "حرم منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکا خوانده است.

با اعتراف شکست کارتر، یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین کارزارهای انتخاباتی در آمریکا پایان می‌یابد. در تاریخ ایالات متحده آمریکا، کمتر انتخاباتی می‌توان یافت که امکان انتخاب میان دو برنامه انتخاباتی برای رای

دهندگان چنین محدود بوده باشد. گرچه، همواره، هر دو حزب بورژوازی "دمکرات" و "جمهوریخواه" نمایندگان سیاسی انحصارگران و محافل امپریالیستی آمریکا بوده‌اند، ولی این بار حتی در اغلب شعارهای ظاهری و صوری خود نیز همانندی رسواگرانه نشان دادند. بنا بر این شکست‌انگیز نیست که بسیاری از مفسران آمریکایی، که به هیچ روی صفت "افراطی" به آنها نمی‌چسبد، این باصطلاح "دمکراسی در عمل" را به‌مثابه "بحرانی واقعی در سیستم سیاسی" آمریکا ارزیابی کردند و برخی نیز آن را "فاجعه‌آمیز" نامیدند. یادآور می‌شویم که نامزدهای مرفقی، از جمله گاس هال و آنجلا دیویس، کاندیداهای حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برای ریاست و معاونت جمهوری، با موانع "حقوقی" فراوانی در طول مبارزه انتخاباتی مواجه گردیدند، که آشکارا با قانون اساسی آمریکا و قوانین ایالات مختلف آن کشور تناقض دارد. فزون بر این، آنها طبعاً نمی‌توانستند از بودجه ۵۰-۳۰ میلیون دلاری احزاب "دمکرات" و "جمهوریخواه" برخوردار باشند.

از بسته‌بندی سخنرانی‌های انتخاباتی کارتر و ریگان که گذریم، محتوی کالای به بازار آورده آنها یکی بود. آنهاجای استدلال منطقی و باحتمی تبیینی، اکثرا از ابتدایی‌ترین غریزه مردم، یعنی غریزه ترس، سو-استفاده می‌کردند. ریگان با اتهام، نه خیلی بی‌جای، "عجز" کارتر در مردم رعب برمی‌انگیخت و کارتر می‌کوشید تا، نه‌چندان غیرقابل توجه، ریگان را "نشاندرتالی خطرناک" توصیف کند. (انسان‌واره‌های نیمه وحشی ماقبل تاریخ!) هم‌کارتر و هم ریگان، از ناپایمانی اجتماعی - اقتصادی کنونی، که فرآورده سیاست‌های ضد خلقی و تنش‌فزایانه محافل امپریالیستی

حامی خود آنهاست سو-استفاده می‌جستند و به مردم آمریکا تلذیب می‌کردند که در صورت انتخاب رقیب، وضع از این نیز وخیم‌تر خواهد شد. هم کارتر و هم ریگان تلاش می‌ورزیدند تا ترس از "تهدید نظامی شوروی" را در مردم آمریکا برانگیزند و هر یک می‌کوشید تا خود را مدافع سرسخت‌تر "سیانت از موضع قدرت" معرفی کند. در طول این مبارزه انتخاباتی بود که کارتر "استراتژی جدید هسته‌ای" خود را اعلام داشت و ریگان متعهد شد تا هزینه‌های جنگی را از سطح دهشتناک کنونی نیز بالاتر برد. دوناژد احزاب بورژوازی انحصاری آمریکا برای کسب وجهه انتخاباتی خود هیچ گونه مرز مشروع اخلاقی را به رسمیت نشناختند. به نوشته "جک اندرسون"، روزنامه‌نگار آمریکایی، کارتر حتی قصد داشت که برای ارتقای پرستیژ خود در آستانه انتخابات آمریکا تهاجم نظامی وسیعی را علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران تدارک دهد. بهر صورت، آنچه مسلم است جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، که امام خمینی بحق آنرا جنگ آمریکا با ایران خوانده است، کوششی بود که کارتر از آن توقعات انتخاباتی نیز داشت ولی نتوانست از شکست کارتر جلوگیری کند.

با انتخاب ریگان به ریاست جمهوری آمریکا چهره جدیدی از روندهای درونی ایالات متحده آمریکا و مناسبات بین‌المللی نمایان می‌شود. گه‌تار و کردار هنرپیشه فیلم‌های کاتوبویی قدیم و رئیس جمهور جدید آمریکا از تحمل مواضع خشن‌تر منجم نظامی - صنعتی، انحصارات امپریالیستی، سیا و پنتاگون در روش‌های حکومت آمریکا حکایت می‌کند. ریگان چه در مسائل جهانی و چه در قبالی مناسبات با ایران همواره خود را طرفدار شی "خشن" نمایانده است. وی، برای نمونه، در سخنرانی، که چندی پیش در کوانسیون سالانه سربازان سابق ایالات متحده آمریکا ایراد کرد، از جنگ تجاوزکارانه و وحشیانه آمریکا علیه خلق ویتنام به دفاع برخاست و آنرا مبارزه در راه "آرمانی اصل" خواند. وی "اشتباه" آمریکا را نه در سرکوب بربرستانه خلقی استقلال‌طلب، بلکه تنها در "عدم پیروزی" توصیف کرد. "سیاست" ریگان در مورد دیگر مسائل بین‌المللی، مانند تنش - زدایی و خلق سلاح، خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا و... نیز از واقع - یعنی بیشتری برخوردار نیست. ریگان، که بارها کارتر را بخاطر "دستکاری ناگانی" از محسدرضا و رژیم منحوس سرزنش کرده است، منتقد بود که "مسئله" گروگان‌ها را می‌توان با یک اقدام نظامی در طرف بیست و چهار ساعت فزمله داد.

آینده نشان خواهد داد که رئیس‌جمهور آینده آمریکا تا چه اندازه از دنیای "کاتوبوییها" و فیلم‌های هولیوودی به جهان سیاست واقع - بینانه باز خواهد گشت؟ خوشبختانه آن دوران که امپریالیست‌ها می‌توانستند منافع جیالوگرانه و تجاوزکارانه خود را به آسانی بر خلق‌های جهان تحميل کنند، مدت‌هاست که دیگر سرری شده است و گردان‌های گوناگون نیروهای انقلابی جهان، کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، جنبش‌های آزادیبخش ملی و طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، هر چه بیشتر قدرت آن را می‌یابند، که در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح و پیشرفت اجتماعی به پیروزی‌های چشمگیری نائل گردند. این عاملی است، که حتی رئیس‌جمهور بزرگترین کشور امپریالیستی جهان نیز که هرگز باهر نام وزیر عنوان هر یکاز دو حزب بورژوازی باشد در هر حال عامل، مجری و کارگزار سیاست انحصارات امپریالیستی است، به هیچ روی نمی‌تواند آن را نادیده بینانگارد.



س: در جنگ بین ایران و رژیم بعثی عراق درجه شایسته یادگاری برای صلح لازم است؟ آیا باید در نظر گرفتن وضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دولتی عراق و ایران، کلاً تمام عدم مذاکره تا سرنگونی رژیم بعث که از جانب مقامات ایرانی مطرح می شود، صحیح است؟

ج: سیدم، در اظهارات دقیقی که اخیراً انجام گرفته، بطور روشن تصریح شده که آنچه الان مطرح است، بازگرداندن ارتش متجاوز عراق به سرحدات بمی سرور کردن متجاوزین ارتش عراق است. پس از آن که با پیروزی نیروهای مقاومت ایران با از این طریق که بالاخره عراقی ها به مقصد کار بی ربطی کرده اند و خودشان داوطلبانه از خاک ایران بیرون بروند، آن وقت مسئله آنتی س مطرح خواهد شد. چون دولت ایران رسماً اعلام کرده است که در نظر ندارد حاکم عراق را انتقال کند، در نظر ندارد که انقلاب ایران را با رور ارتش به آنجا صادر کند و گفته است کار انقلاب عراق وظیفه خلق عراق است و این کاملاً درست است. این وظیفه خلق عراق است که در نتیجه بی آمدن تکتک ماجراجویان که صدام حسین و داروستانش به راه انداخته اند، این وضعیت را در برآورد و آنقدر نیروهای سالم در درون خودش داشته باشد که نتواند رهبری حیاتبسته و سرسپرده امپریالیسم را در کشور خودش ساقط کند. این وظیفه خلق عراق و نیروهای انقلابی عراق است. مافکر می گویم که مسئله از سوی ایران کاملاً روشن است، نخست وزیر، رئیس جمهور و دیگر مقامات مسئول مملکت هم این مسئله را با صراحت بیان کرده اند. پس به این ترتیب مسئله عدم مذاکره بطور مطلق، اصلاً مطرح نیست، حالا ممکن است پس از آن که ارتش عراق از خاک ایران بیرون رانده شد و با تحت فشار داخلی و جهانی از خاک ایران خارج شد، در آن شرایط ما مسئله ای نداشته باشیم که پشت میز صحبت بنشینیم و منتظر بشویم ببینیم چه تحولاتی در عراق به وقوع خواهد پیوست. این ممکن است، ولی این یک وقفه کوتاه مدت است. بالاخره دو کشور هم باید مسائل مورد اختلاف خودشان را با یکدیگر حل کنند و با یکدیگر صلح کنند و با یکدیگر صلح کنند. یکی از مسوولان دولت ایران، خوب یک کمی صبر کند تا شرایط برسد برای این که دورتره این مسائل را حل کند. ما می بینیم که بین چین و اتحاد شوروی هم مسائل مورد اختلاف زیاد است. از طرف چین خیلی ادعاها نسبت به بخش مهمی از کشور شوروی هست. و ما می بینیم که اتحاد شوروی دائماً آنها را پیشهاد می کند که بنشینیم مذاکره کنیم و می نشینند و ما هم مذاکره می کنیم. باز هم بنشینیم و می نشینیم و باره ادامه می دهند. بالاخره یک وقتی می رسد که بدون آن که توپ و تفنگ در دست، شرایط فراهم می آید برای آن که عقل سلیم پیروز گردد و یکسره حل معضله پیدا شود. ما خیال می کنیم از طرف ایران اصلاً مسئله مورد اختلاف وادمانی نسبت به عراق مطرح نبوده و این عراق است که برای دولت تانیه با سفاک چیز دیگر، به این عمل تبهکارانه جنگ دست زده است. اینها مسائل نیست که برای آن میلیاردها و صلیبها از ثروت های عمومی دو کشور اربین برود و نیروی عظیمی که می توانست اسرائیل را وادار به تسلیم کند، به این شکل به هدر برود و دو کشور و دو خلق ضعیف بترسد و در نتیجه دشمنان هر دو خلق امکان یافتن اوضاع خودشان را تحکیم بکنند و این دو خلق با لاقول انقلاب ایران را با چنین دتواری ها و مخابراتی روبرو کنند. چنین سیاسی، خوب، از عقل که به تمام معنا دور است، ولی اینجا دیگر نمی شود گفت که صدام حسین دیوانه است. برای این که این صدام حسین کاملاً آگاهانه و با در نظر گرفتن تمام حسابها به این جنایت دست زده و البته در حسابهایش مثل حسابهای کرر در کرر امپریالیسم و ارتجاع کور خوانده و عوامل و عناصری را که در محاسبات خودش نگار برده، صیوب و سفودتر بوده و در نتیجه درست از آب در نیامده است.

حال ممکن است که امپریالیسم بتواند در آینده عوامل و عناصر تازه ای را در این کشکش وارد کند که به هیچ وجه نباید بدان بی اعتنا بود. هیچ بعید نیست که امپریالیسم آمریکا در لحظه ای که ببیند که جمهوری اسلامی ایران دارد به یک پیروزی بزرگ نزدیک می شود، برای جلوگیری از این پیروزی عناصر تازه ای را وارد این ماجرا کند. باز هم نفت بر این آتش بریزد باید این را حتماً در نظر داشت. ما بارها به رهبری کشور هشدار داده ایم که نباید تصور کرد که در این جنگ به آسانی می توان پیروزی پیدا کرد. در این زمینه باید خیلی با احتیاط بود و توجه داشت که امپریالیسم نمی خواهد بگذارد که این جنگ به این آسانی خاتمه یابد و در لحظه همین برای تقویت تجاوز عراق خنثی ترین و موافقانه ترین روی این آتش خواهد درخشید. باید این موارد را هم پیش بینی کرد که چه صورتی ممکن است به خود بگیرد و امپریالیسم به چه شومخانی ممکن است دست بزند. ما تحریکات امپریالیستی را تا حد تجاوز آشکار، مثل تجاوزی که امپریالیسم آمریکا به کره و تایوان کرد، در ایران امکان پذیر می دانیم. یعنی ممکن است در آخرین مرحله که آمریکا از همه دسیسه های خودش تا امید بشود و ببیند که تمام توطئه هایش با شکست روبرو شده است، آتوق به آخرین حربه که همان دخالت مستقیم است، دست بزند. به نظر ما جمهوری اسلامی ایران، باید برای مقابله با همه این احتمالات خود را از همه جهت آماده کند: از جهت تجهیز نیروهای خلق، از جهت تجهیز امکانات اقتصادی، از جهت تجهیز منابع برای دست یابی به مواد لازمی که ایران آن را کم دارد - هم ارقام حداقل ضروری مردم، هم ارقام سوخت و هم از لحاظ وسایل دفاع و غیره. نباید در این خواب خوش فرو رفت که ما پیروزی می شویم و آمریکا تسلیم خواهد شد. ما خیلی خوشوقت هستیم که بی بینیم این روشن بینی در دو سه هفته اخیر در مقامات مسئول توت گرفته و آن تصویری که در آغاز احساس می شد وجود دارد که توطئه عراق را در طرف چند روز به سرعت در هم خواهیم شکست و امپریالیسم آمریکا تسلیم خواهد شد و ایران را بر سر می خواهد گذاشت، جای خودش را با ارزهایی واقع بینانه تر و روشن بینانه تر داده است و امیدواریم که در این جهت باز هم به تشریف های مثبتی انجام گیرد.

در تحلیلی که من برای شماره ۷ مجله "دنیا" تهیه کرده ام، نوشته ام که این تجاوز عراق به ایوان ششمین توطئه امپریالیستی است و مسلماً بعد از این شش، هفتی خواهد آمد و از بی هفتی هم که با شکست روبرو شود، باز هفتی خواهد آمد و امکان اینکه یکی از این توطئه ها: هفتی، هشتی، نهمی یا دهمی، بالاخره به صورت تجاوز آشکار امپریالیسم آمریکا به ایران در آید، وجود دارد. جلوگیری از مطلق شدن این امکان و پیشگیری یک چنین ماجراجویی آمریکا، باید تدارک همه جانبه از طرف رهبری جمهوری اسلامی برای تجهیز نیروهای داخلی و استفاده از همه امکانات جهانی برای پشتیبانی از انقلاب ایران، صبر خواهد بود. ما خیال می کنیم که اگر کوبای "کوجولو" بالاخره توانست آمریکا را که از همه طرف کوبا را محاصره کرده و حتی در خاک خود کوبا پایگاه نظامی دارد، سر جای خودش نشاند و از دست زدن به ماجراهای نظامی دیگر، منصرف سازد، مسلماً ایران ما در برتو موضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی فوق العاده مناسب خود، با تجهیز امکانات به مراتب بیشتر و به مراتب مؤثرتری که دارد، می تواند آمریکا را وادار کند که در پشت سرحدات ایران مؤذنب باشد، دندان عروجه برود و جرات تجاوز به خاک ایران برانداخته باشد. ولی این امر، همان طور که گفتیم، فقط در صورتی ممکن است که رهبری جمهوری اسلامی بتواند همه امکانات درون ایران و تمام امکانات جهانی را به نفع انقلاب ایران را به درستی و به موقع تجهیز کند و به کار بندارد.

این مطلبی است که ما بارها با رهبری جمهوری اسلامی در میان گذاشته ایم و امیدوار هستیم که شناخت واقع بینانه در این جهت، در روزهای آینده، در همه های آمده، رشد چشمگیر و مؤثرتری در سیاست عمومی ایران داشته باشد.

س: آیا جنگ ایران و عراق می تواند در شکل ظهور شدن انقلاب آزادی بخش خلق های عراق تاثیر داشته باشد؟ آیا جنگ ایران می تواند به بروز وضع انقلابی در عراق بیانجامد و با این که بعضی می توانند تفکرات طبقاتی را با نیز کردن احصایات ناسیونالیستی به خاموشی سوق دهد؟

ج: زلفا، پیش بینی این که جنگ ایران و عراق، در عراق چه تاثیری و در چه جهتی خواهد داشت، کار آسانی نیست، زیرا اولاً ما الان اطلاع

دقیقی از وضع داخلی عراق نداریم، البته اطلاعات زیادی می رسد که وضع در عراق بحرانی است: هم در داخل رژیم بعث، در داخل حزب بعث و رهبری بعث و هم در داخل ارتش و جامعه، وضع بحرانی آنجا را مراکز گرفته است. حال در این وضع بحرانی چه نیروهایی بتوانند نقش مؤثر داشته باشند و در نتیجه، بحران را به چه جهتی بتوانند سوق دهند، مطلبی است که اطلاعات ما نمی تواند جواب روشن و صریح بمان بدهد. احتمالاتی که در آنجا می توان داد، این است که مثلاً در داخل نیروهای حاکم عراق، تحولاتی در جهت مثبت یعنی در جهت غلبه نیروهای هوادار همکاری صمیمانه با سایر نیروهای حسیه پایداری کشورهای عربی برای مبارزه قاطع و بی سبکی علیه اسرائیل، علیه امپریالیسم و غیره صورت گیرد.

البته این بهترین راه حل هست، چون سلباً چنین تغییری سیاست عراق را بطور بنیادی عوض خواهد کرد و سیاست عراق در جهت همکاری با سایر نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه در درجه اول با دو سه ماهه مهم اش سوریه و ایران تغییر خواهد کرد و عراق تبدیل خواهد شد به یک پایگاه مبارزه ضد امپریالیستی. چنین حالتی امکان دارد، برای این که در داخل حزب بعث عراق، با وجود تمام تصفیه ها و اعدام های وحشتناکی که گروه صدام انجام داده و یکی از بارزترین اش همان اعدام ۲۲ تن از اعضای رهبری شورای مرکزی بعث عراق، یعنی اعدام نزدیک ترین همکارانش بود کرده اول وزیر و عناصر گرداننده سیاست عراق را تشکیل می دادند، پس از این تصفیه ها و اعدام ها نیز به منظر ماملسا هنوز نیروهای سالم واقع بین و ضد امپریالیست در حزب بعث وجود دارند و لذا چنین حالتی کمک کنیم، ممکن است تحقق پیدا کند. احتمال دیگر این است که در این شرایط نیروهای دیگری که دارای این جنبه های مثبت نباشند، از میان خود نظامیان عراق رقیب صدام به قدرت برسند، که درست هوادار نزدیک به امپریالیسم آمریکا و خصومت شدیدتر با جبهه پایداری عرب باشند. البته این عمل می تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم انجام بگیرد، یعنی اولش به این صورت باشد که برای جلوگیری از افشاحلال ارتش عراق و بیرون کشیدن عراق از زیر ضربه تغییراتی در داخل رهبری عراق به وجود بیاورند تا بتوانند نیروهای خود را برای مرحله بعدی جمع کنند یعنی ممکن است یک کودتای راستی پوشیده با محتوای کودتای ترکیه، با محتوای ضیا الحق، انجام دهند، منتها در مرحله اول یک قافله "ملی"، "ترقی خواهانه"، "مشیت" و "سازگار" یا انقلاب ایران به وجود بگیرند. این حالت هم می تواند پیش آید که بسکتی دارد به چگونگی تناسب نیروهای گوناگون در رهبری عراق و درجه تاثیر

خلق عراق در این بحران، ما از چگونگی این تناسب نیروها در جهت تاثیر خلق عراق در این بحران اطلاع دقیقی نداریم و سعی می کنیم تحت تاثیر بعضی از اخبار تبلیغاتی قرار نگیریم. البته بهترین راضل این است که مردم تاثیر خود را واقعاً در جهت یک انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک، با محتوایی که انقلاب سوریه به این دارد، اعمال کنند و نیروهای را بر سر کار بیاورند که در جهت جبهه پایداری خلق های عرب و سیاست این عمل کنند.

بنظر ما بهترین راضل است و امیدواریم که کمترین راضلی بر سایر امکانات چیره شود. البته این امید ما هست و نمی توانیم وعده دهیم که حتماً چنین خواهد شد، چون ما خودمان نمی توانیم در عراق، در چنین جهتی تاثیر کنیم. این وظیفه انقلابیون عراق، وظیفه نیروهای پیشرو خلق عراق است که در این جهت عمل کنند و چنین تحولاتی را در عراق ممکن سازند.

س: آیا طرفداری به نفع همه جانبه لیبیرال ها از مواضع قدرت، به نفع کامل تضاد خلق با امپریالیسم منتهی خواهد شد؟

ج: سؤال دیگری هم قبلاً در همین مورد شده که چرا لیبیرال ها از مواضع قدرت طرف نمی شوند؟ این ساده نیست، رفقا! طرفدار لیبیرال ها از مواضع قدرت کار ساده ای نیست، زیرا لیبیرال ها هنوز در قشرهای بنیادینی، در طبقات متوسط جامعه و حتی در میان توده های زحمتکش پایگاه قابل ملاحظه ای دارند و ملتش هم اینست که توده های زحمتکش ایران، در مجموع خود برود سیاسی و فکری همگنی ندارند، سطح رشد همه به اندازه نیست که بتوانند ماهیت بورژوازی لیبیرال و خطرانی را که از جانب آن نسبت به انقلاب ایران تصور هست، به طور عمیق و همه جانبه درک کنند. ما خوب می دانیم که در آذربایجان - در تبریز، حزب جمهوری خلق مسلمان که نماینده لیبیرال های وابسته با امپریالیسم، یعنی کاملاً همگام با امپریالیسم است، چگونه توانست تا مدتی با شعارهای مذهبی ستاندار، نیروی زحمتکش ایران را در جهت مبارزه با جمهوری اسلامی تجهیز کند. این نشان می دهد که لیبیرال ها هنوز نیروی کمی ندارند. در میان روحانیت هم نیروی آن ها هنوز خیلی کم نیست. ما می دانیم که در همین دوران اخیر از طرف برخی از معادلات روحانیت سنتی و جاافتاده ایران، حتی اقدامات علنی مؤثر در جهت منافع لیبیرال ها انجام گرفته است، فتوایی بر ضد مبارزاتی که مردم زحمتکش ایران آن علیه مالکیت بزرگ زمین، علمبرمایانهای دزدی شده و فاسد شده و غیره انجام می دهند، داده شده است. و این فقط در جهت حفظ سرمایه داری و بورژوازی لیبیرال است.

پس لیبیرال ها نیروی کمی نیستند، نه در دستگاه قدرت دولتی کم هستند، نه در مجلس خیلی ناچیز هستند و نه در مجموعه جامعه. به این علت است که طرف لیبیرال ها، آن طور که انقلاب الجبهه انجام داد و آن طور که در بسیاری از کشورهای انقلابی دیگر حتی قاطع تر از الجبهه انجام گرفته است، با توجه به همان ویژگی انقلاب ایران، کار آسانی نیست. البته در این دو ساله اخیر ضرباتی به لیبیرال ها وارد آمده است، محدودیتی برای لیبیرال ها پیدا شده است. آن قدرتی که آن ها در آغاز انقلاب در دست داشتند، امروز دیگر ندارند، مبارزه علیه بورژوازی سرمایه داری عمیق تر شد، در مجلس یک اکثریت نیرومند خلق طرفدار راه امام خمینی وجود دارد که می تواند اقدامات نیرومند و مؤثری علیه لیبیرال ها انجام دهد، ولی این مقاومت لیبیرال ها، چه در اقتصاد، چه در دستگاه دولتی، چه در هر جای دیگر، کارها را ترمز می کند. قاطعیت تهرولتری لازم است برای آنکه این مقاومت لیبیرال ها درهم شکسته شود آن ها را از صحنه طرف کند. آن چه که ما الان شاهدش هستیم، عبارت است از تیرد تن به تن شدید میان جناح های انقلابی دموکراسی انقلابی و بورژوازی لیبیرال که با جنگ و دندان از مواضع خود دفاع می کند و مواضع نیرومندی هم دارد.

مبارزهای کم خلق ایران با لیبیرال ها و با خطری که از جانب آن ها متوجه انقلاب ایران هست، دارد، مبارزه امروز و فردا نیست که ما خیال کنیم روند "تغییر" چه خواهد شد. مثل گذشته دو پهلو آن است که چند سالی طول می کشد و بالاخره یکی دیگری را می زند زمین. نه، این مبارزه، مبارزه دو پهلو آن از پهلو آن های نوع دیگری است که می تواند خیلی طولانی تر شود. گاه با چندین بار این طرف و آن طرف رفتن، زیر رفتن و باز رو آمدن، مبارزه آن قدر ادامه پیدا کند تا بالاخره جنبش انقلابی ایران در مرحله ای از رشدش، در مرحله ای از عمیق تر شدن و قاطع تر شدنش، موفق شود بورژوازی لیبیرال را از صحنه قدرت سیاسی خارج کند.

س: لیبیرال ها در ایران چه سرمایه هایی در دست دارند؟ آیا طرفداری لیبیرال ها با قانونمندی های رافرد غیر سرمایه داری سازگار است یا باید این امر در روندی بالنسبه طولانی صورت گیرد؟

ج: ببینید، تعریف علمی راه رشد غیر سرمایه داری با ست گیری سوسیالیستی هیچ وقت به صورت یک تعریف قاطعی نتواند نبوده که با باید طرف صریح لیبیرال ها در آن بکشد و با چنین جریانی محتایک روند بالنسبه طولانی داشته باشد. این روند بستگی دارد به تناسب نیروهای که وارد میدان هستند و به تاثیر تعیین کننده جناح های مختلف نیروهای انقلابی در امر رهبری. اگر رهبری جنبش انقلابی به دست پرولتاریا باشد و با پرولتاریا با تاثیر داخلی و جهانی نیروی خود بتواند نقش تعیین کننده با نقش بسیار نیرومند در روند انقلاب داشته باشد، آن وقت البته مسئله منزوی کردن و طرف لیبیرال ها از امرهای که آن ها در اختیار دارند، خیلی قاطع تر، آسان تر و سریع تر حل خواهد شد. این هم امرش غیر سرمایه داری است، ست گیری سوسیالیستی است. ولی اگر تاثیر پرولتاریا در رهبری انقلاب کم باشد، اگر رهبری انقلاب در دست جناح های مختلف دموکراسی انقلابی باشد، آن وقت وضع تغییر می کند. اگر رهبری قاطع، بی گیر و آگاه دموکراسی

# نورالدین کیانوری

## پرسش و پاسخ

### بخش دوم

# پاسخ به برخی مسائل حاد روز

انقلابی در راس انقلاب باشد، مثل نمونه های که تا بحال در وجود بی دموکراتیک، الجزیره، کینه و غیره، داشته ایم، آن وقت این جریان سریع تر و نسبتاً قاطع تر انجام می گیرد. ولی اگر نه، برعکس، رهبری - ست قشرهای مرفه تر و سازشکارتر باشد، یعنی توده های که در انقلاب شرکت می کنند، هنوز آن آگاهی کامل را نداشته باشند، در این صورت به دنبال قشرهای متوسط مرفه می روند و آن وقت مسئله طرفداری لیبیرال ها برایشان اغلب بصورت ناخوشایند انجام می گیرد و ممکن است به تدریج، برعکس، به سازش با لیبیرال ها بیانجامد. به این ترتیب، برای این نوع مسائل ما هرگز یک راه حل قاطعی نداریم که بخود صحن کرد که دو دو تا چهارتا می شود و سه سه تا نه. همین چنین قالبهایی برای تحولات اجتماعی هیچ گاه امکان پذیر نیست. رفقا هم هیچ وقت نسبت به مسائل اجتماعی برخورد این چنانی نکنند. همیشه باید توجه داشت که در این مسائل اجتماعی، عناصر گوناگونی می توانند تاثیر کنند و این فقط واقعتاً انقلاب در مرحله صحن آن است که علوم می کند کدام یک از این عوامل می تواند در مورد چگونگی فرجام این مرحله، تاثیر تعیین کننده داشته باشد.

س: ادامه عملی کمک جبهه سوسیالیسم و نیروهای مترقی جهان در مقابل ادامه تجاوز خائفانه صدام به جمهوری اسلامی ایران چگونه می تواند باشد؟ ج: این مسئله ای است که به نظر ما، به چگونگی سیاست مقامات مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارد. آن چه که به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و تغییرناپذیر ما می توانیم بیان کنیم این است که کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد جماهیر شوروی برای انقلاب ایران یک ارزیابی خیلی مثبت دارند و بیگناهی بطور رسمی اعلام کرده اند هر گونه پشتیبانی از انقلاب ایران به عمل آورند برای آن که این انقلاب بتواند بدون دخالت خارجی ست گیری ها و هدف های راکه برای خود تعیین کرده است، یعنی هدف های ضد امپریالیستی و خلقی، قطع همه جانبه سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی امپریالیسم بر ایران، ایجاد ایران مستقل، غیر متعهد که در جهت پیشرفت های اجتماعی، در جهت بهبود بنیادی شرایط زندگی توده های زحمتکش دعوا مملوئی و محدود کردن خلافت غارتگران سرمایه دار و بزرگ مالک کام بردارد، دستحق بخشد. خوب، ببینید، کسی حاضر می شود به شما بگوید که اینها، از ما پشتیبانی کند. این دیگر با شماست که به چه شکل از این کمک و از این پشتیبانی برای هدف های خود بهره بگیرید. به این جهت به نظر ما جواب این سؤال فقط بستگی دارد به سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران. اگر این سیاست درجهتی که تا چندین پیش گسترش پیدا می کرد و مبارزه دوسی و همکاری با نیروهای اصل ضد امپریالیستی در سراسر جهان بود، ادامه باید طیباً به هیچ وجه نمی تواند از این امکانات فوق العاده مساعد استفاده کند و در نتیجه الزاماً روز بروز در مقابل فشار امپریالیسم ناتوان تر خواهد شد و بالاخره با بدطبق پیشهاد دولت کام به کام و خط برزیستی تسلیم توده امپریالیسم آمریکا و از درازش در آید، یعنی آمریکا را که از بیرون رفته، دوباره از پنجره وارد ایران کند. یا اینکه انقلاب تاشکست روبرو خواهد شد و امپریالیسم بهر روز خواهد توانست بخنجر امپریالیسم با امثال آن ها را بر راس قدرت بنشاند، اوسو را باوورد و متل شبلی، مثل اندونزی دریای خون در ایران را امپاندازد و وارد دیگر تسلط خود را برقرار سازد.

به این ترتیب، به نظر ما، الان امکانات فراوانی وجود دارد برای اینکه دولت ایران بتواند از آن ها برای مقاومت قاطع تر در برابر امپریالیسم و عقب نگذاشتن تمام توطئه های امپریالیستی بهره بگیرد. آن چه که ما می توانیم درباره کمک های عملی جبهه سوسیالیسم و انقلاب ایران بگویم، این است که اولاً دولت شوروی با وجودی که قرارداد کمک متقابل با دولت عراق دارد و با آن که این قرارداد برای مبارزه علیه امپریالیسم بوده است، با وجود این ما می بینیم که اتحاد شوروی در مورد جنگ ایران و عراق بی طرفی رسمی اعلام کرده و از اجرای تعهدات هادی و جاری خود نسبت به عراق، خودداری روبرو کرده است. امروز دیگر برای همه رهبری ایران مسلم است که کارسالی سلطه شوروی بر عراق که جزو تعهدات هادی و جاری ناشی از قرارداد میان دو کشور بوده، بعد از شروع این خصامه، قطع شده و دولت شوروی رسماً آن را در اعلامیه تانی، خاطرنشان ساخته و علاوه بر آن سفر شوروی بارها در مذاکره با رهبران ایران به این مسئله اشاره کرده است. ثانیاً دولت شوروی رسماً به دولت ایران اطلاع داده که برای همه گونه کمک به دولت ایران حاضر است: از لحاظ اقتصادی، از لحاظ حمل و نقل کالا و هر گونه کمک دیگری که ایران برای مبارزه علیه امپریالیسم و مقابله با اشکال مختلف توطئه های امپریالیستی بدان احتیاج دارد. این ها مظاهر بسیار مثبت و نیرومندی است و همچنین علت هم ما می بینیم که در گفتارهای اخیر ستولان کشور، آن گناهیها و اتهامات بی اساس و نیت های که در گذشته نسبت به اتحاد شوروی وجود داشت، به طور محسوس تقلیل پیدا کرده است. برای این که ما فکر می کنیم که دولت ایران اطمینان پیدا کرده، با اگر خواهیم خیلی مطلق صحبت کنیم، عوامل این اطمینان در رهبری جمهوری اسلامی قوی تر شده که دولت شوروی پشتیبان انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران است و نمی خواهد که این انقلاب شکست بخورد. کافی است در این مورد به هشدارهای بسیار جدی دولت شوروی و مقامات رسمی شوروی در مورد دخالت نیروهای امپریالیستی و وابستگان به امپریالیسم در ایران و در منطقه توجه کنیم. این هشدارها دارای وزن بسیار سنگینی هستند و دشمنان ایران را مسلماً در مورد ماجراهایی که در آینده می خواهند در پیش بگیرند به متامل و فکر واهی دارند.

پس به نظر ما در این زمینه، راه برای بهره گیری، بکطرفه است، یعنی یک طرفش باز است و طرف دیگرش هست که باید باز شود.

س: در خوزستان مسئله همکاری نیروهای تودایی که در نبرد علیه تجاوز عراق، شرکت فعال و مؤثر دارند با سایر نیروهای انقلابی جمهوری دارد؟ و آیا در برداشته ها و برخوردهای نیروهای مسلط انقلابی یعنی سپاه پاسداران و سایر نیروهای انقلابی نسبت به حزب توده ایران تغییری پیدا شده یا نه؟

ج: به این سؤال بدون آن که دچار شتابزدگی شویم، به طور کلی باید جواب مثبت بدهیم. واقعتاً این است که شرکت بی گون توده های در جریان تجزیه مقاومت، در جریان نبرد در خوزستان شهر، آبادان و اهواز و در داخل

# انقلاب ایران در مقابله با تجاوز آمریکا - رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران

جلسه مراسم "پوشش و پاسخ" روز ۲۴ مهر سال ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کبائیری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش های مطرح شده، پاسخ گفت. پرسشها در رابطه با مسائل گوناگون سیاست و اقتصاد کشور در مرحله کنونی انقلاب ایران، با ویژگی های دموکراسی انقلابی، با جریان نبرد تاریخی قهرمانانه خلق انقلابی ایران در مقابله با تجاوز تبهکارانه آمریکا - رژیم صدام، با ضرورت شناخت واقعی دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مسائل دیگر طرح شده است.

بخش اول متن این "پوشش و پاسخ" در شماره دیروز "نامه مردم" به چاپ رسید و بخش دوم آن در شماره امروز درج می شود.

سنگرها، با وجود محدود بودن تعدادشان، تأثیر زیادی در محیط فیزیکی تودم ایستادند و حتی در محیط اسلامی، داشته است. امیدواریم که این تجربه و ستان، تأثیر خود را در مجموعه جنبش ما بگذارد. البته انتظار این که این تأثیر فوری و بنیادی باشد و مناسبات نیروهای اسلامی و بخصوص جناح های امرایی آنها را با حزب توده ایران دگرگون کند، خوش سآوری زیاده از حدی است که ما دچارش نمی شویم. ولی ما فکر می کنیم که این امر بدون تأثیر نیست. نمونه بارز آن هم، همانطور که گفتیم، جریان تشییع جنازه رفیق شهید ما عسکر دانش شریعت پناهی در ستان است که نشان دهنده قدردانی همه نیروهای خلقی از وفاداری و از جان گذشتگی یک مبارز تودم ایستاد. و ما این را به فال بسیار نیک می گیریم و امیدواریم که مخصوص عنایری از مقامات رهبری انقلاب که تا بحال روش خصمانه ای نسبت به حزب توده ایران دنبال می کردند، از این جریان متأثر شوند و در موضع گیری های خود نسبت به حزب ما تجدید نظر کنند. آنچه که برای ما مسلم است، این است که در قشرهای خلقی تر مکرری انقلابی، به ویژه در خونین شهر آبادان که نبرد سختی درگیر هست، این تأثیر مثبت گسترده محسوس و چشم گیر است. ما امیدواریم که این جنگ برادرستی که امیرالیم آمریکا سرسودگانش، امثال صدام، به خلق های ایران و عراق تحمیل کرده اند، هر چه زودتر پایان یابد و نیروهای مبارز ایران موفق شوند که متجاوزان عراق را از خاک ایران بیرون رانند. البته ما طرفدار این هستیم که این جنگ هر چه کوتاه تر باشد، ولی در همین دوران کوتاه هم حزب توده ایران از یک تجربه و آموختن بسیار مهم سر بلند بیرون آید و نشان داد که تودم ایستاد مقدم می بیند دوستان ایران قراز دارند و سوسیالیسم علمی ما همین دوستی راستین و واقعی نه تنها کوچکترین تناقضی ندارد، بلکه بسیار دوستی جز ماگستنی آن است، یعنی هواداران راستین سوسیالیسم علمی بهترین، وفادارترین، از خود گذشته ترین سپین دوستان هستند. زیرا به خلقی که می کنند، و باستانند و این خلق است که از خاک خودش و جیب به جیب دفاع می کند. سرمایه داران در روز سخت وطن را می گذارند و پول های خود را از بانکها برمی دارند و فرار می کنند. آنها به هم می پیوندند، به منافع واقعی خودش، به خلقی که در میان آن زاده و بزرگ شده اند، به منافع واقعی، به آلمان های حیاتی و آداب و رسوم این خلق، کوچکترین دل بستگی ندارند. به همین جهت است که می گویند برام و مسلک سرمایه داری، جهان وطنی است. می بیند دوستی واقعی از آن خلقی که متکثر و نیروهای اصل مدافع خلق و در درجه اول بیرون سوسیالیسم علمی، به نگران منافع حیاتی عمدترین و مبارزترین نیروی خلق یعنی طبقه کارگر است.

س: نظر شما در باره موضع گیری اخیر سازمان چریک های فدائشی خلق (اکثریت) در مورد کردستان چیست؟  
ج: رفقها همان طور که می دانید در شماره هفتاد و نهم روزنامه "کار" مقاله ای در باره جنگ کردستان بعد از تهاجم عراق به ایران، نوشته شده که قابل توجه است. در این مقاله، با آن که مثل کلیه مقالات گذشته روزنامه "کار" و تمام تحلیل های چریک های فدائشی خلق، تناقضات بسیار دارد، در مجموع نکات مثبتی دیده می شود، یعنی یک بار دیگر سازمان چریک های فدائشی خلق از موضع برداشت، خلقی انقلابی، همچنان نتایج رسیده است که از یکسال پیش و با یکسال و نیم پیش حزب توده ایران، البته از "موضع اپورتونیستی"، همان موضع رسیده بود. مثلا به این نتیجه رسیده است که از همه بازرتر است!

رژیم عراق با تبلیغ روی این که کردستان ایران، در پایبندی در برابر رژیم ضد خلقی "جمهوری اسلامی" است، آشکارا می گویند خلق کرد را فریب داده بدین وسیله دست خود را در کردستان هر روز بازتر کند. برای رژیم عراق قاجارترین حالت آن است که نیروهای جنبش ملی کردستان ایران با همه نیروهای خلقی در سراسر ایران متحد شوند و با حمایت جدی و فعال از جنبش انقلابی خلق کرد و حزب عراق بهترین پشت جبهه را برای نیروهای جنبش انقلابی خلق عراق بازگشاید.

اما متأسفانه موضع در تمام طول هیئت ماه گذشته (این هیئت ماهه گذشته با دستان باشد) هیچگاه چنین نبوده است. رهبری حزب دمکرات کردستان، این قدرتمندترین نیروی سیاسی کردستان ایران، نه تنها هیچگاه علنا علیه رژیم با نیروهای جمهوری اسلامی ایران حرکت نکرد، (در عرض هیئت ماه گذشته که ماهش سازمان چریک های فدائشی خلق در جبهه متحد با این رهبری همکاری می کرده است)، بلکه در همان مسیر گام برداشت که پیش از همه رژیم عراق و در فرسوی آن امیرالیم آمریکا را خشنود می ساخت. رهبری قاسملو حزب دمکرات کردستان در تمام طول هیئت ماهه گذشته در راهی که حزب بعث و امیرالیم آمریکا خشنود می ساخت قدم برداشت. این جریان در تمام این مدت از گفتگای آشکار و پنهان رژیم عراق که همواره آرزو داشته است ختمی کرد و خلق های غیر کرد ایران را شدت بیشتری با هم بچیند، برخوردار بوده است. هم اکنون "گومه" نیز با رژیم عراق آشکارا روابط غیر مستقیم دارد. گومه طی هیئت ماه اخیر از طریق شیخ جلال محمد بیک، شیخ الاسلامی ها و دهها خاندان عربی دیگر همواره کمک های نقدی و تسلیحاتی عراق را "مصادره" کرده است. (مصادره البته مستخرا میز) و پس از هربار مصادره واسطه های تار را ساخته تا دوباره به حرفه سابق خود بازگردند. خوب، ما می پرسیم که آیا این چریک های فدائشی خلق فقط امروز می بیند اندک سرطول هیئت ماه، سیاست قاسملو را و کومه ما چنین سیاستی سودناست؟ اینها نوشته اند که ما امروز این را فهمیدیم و در این هیئت ماهه اشتباه می کردیم، گول اینها را خوردیم بودیم، در مصالاح "صمیمت حدیث کرد" با این ها همکاری داشتیم، ستاد مشترک داشتیم، همه چیز داشتیم و خوب حالا فهمیدیم که این جور هست و خوب هدرت می خواهیم از مردم ایران، از جنبش ضد امپریالیستی و خلقی ایران که ما هجده ماه گول خوردیم و در این یک دو ماه اخیر فهمیدیم. اگر این طور بود، واقعا صادقانه بود، چون درست، چند هفته پیش از آن، درست مکن این مطالب را نوشتند ("کار" سال دوم، شماره ۷۵، حزب توده و اشتغال در حزب دمکرات کردستان.)

در این مقابله که سراسر، فحش و تحریف و دروغ نسبت به حزب توده ایران و موضع گیری درست ما نسبت به مسائل کردستان و قاسملو است، این آفتابان به ما این ایراد را می گویند، که شما چطور در آن وقت نوشتید که شما خوب می دانید که دولت بعث عراق با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه از گروه های وابسته بخود و دیگر گروه های ضد انقلابی از داروستانه شیخ متنان و شیخ جلال و زرکاری گرفته تا کومه و داروستانه سرنگ علیار با تمام قوا پشتیبانی می کند. ببینید ما چند ماه پیش چه "جنابیتی" کردیم بودیم. ما این ها را کی نوشته بودیم؟ ۲۲ ماهه ۵۸، یعنی هشت ماه پیش از آن. هشت ماه پیش ما چنین مطالبی را گفتیم که همین ها را اینها الان دارند تکرار می کنند. ولی آنوقت، حتی تا یک ماه پیش، دو ماه پیش، این برای ما جرم بود. و با این که منتقل از ما می نویسند: "گروه قاسملو که خود را مدافع حقوق خلق کرد و ضد امپریالیست می نامند در ۱۶ ماهه پس از انقلاب، نسبتا در این جهت مقابله با ضد انقلاب حرکت کرده است، نسبتا حقوق آلمان های خلق کرد را نزدیک نساخته است، نسبتا به مبارز ضد امپریالیستی خلق های ایران باری نرسانده است، بلکه با توطئه های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و صال آنها با هماهنگی کامل عمل کرده است. واقعا که ما چه مطالب و وحشتناکی نوشته ایم! با آن که ما خوشحالیم از این که اکثریت چریک های فدائشی خلق به چنین شناخت درستی رسیده اند، (به طور نسبی درست، نه بطور قطعی، زیرا همان طور که اشاره شد، در همین مقاله هم تناقضات بسیار جدی وجود دارد)، در همین حال تعجب می کنیم که این دوستان ما با هم با چه بی پروایی مدعی هستند که سیاست گذشته شان درست بوده و فقط پس از شروع جنگ عراق، واقفیت معلوم شده است. ولی در صفحه سوم از دستشان درمی رود می نویسند که تمام این پدیده ها بعد از انتخاب در حزب دمکرات کردستان بروز کرده است و نتیجه تاثیر سیاست حزب توده ایران است که گواش بعث است و این عیانیت و فرموده در حزب دمکرات کردستان غلبه کرده است. اول دو- سه صفحه این طور استدلال می کنند، ولی یک صفحه مطلب را برمی گردانند و می نویسند در هیئت ماهه گذشته هیچگاه سیاست حزب دمکرات کردستان و رهبری حزب دمکرات کردستان در جهت همکاری با انقلاب ایران با جنبش انقلابی واقعی ایران، با نیروهای ضد امپریالیستی نبوده، بلکه فقط در جبهه ای بوده که امپریالیسم آمریکا و عراق را خشنود می کرده است. ما با این جمله اخیر مقاله "کار"، مدعی رقم تمام تناقضاتی که در قسمت های قبلی این وجود دارد، جدا موفقم و امیدواریم که این شناخت تازه، به دوستان چریک اکثریت ما که گام های جدی در جهت تصحیح مواضع نادرست گذشته خود برداشته اند، در غلبه بر این خود مرکز بینی، خود محور بینی کمک کند و دیگر نگویند که هر کاری ما در هر لحظه ای کرده ایم، درست بوده و وقتی نادرست درآمد، بگویند، حالا وضع عوض شده، ولی در آن لحظه کار ما درست بوده است. امیدواریم که آن ها به این موضع گیری نادرست عاقلانه بدهند و یک بار سیاست گذشته و اشتباهات تاکتیکی بزرگی را که در دوران ۱۸ ماهه بعد از انقلاب کرده اند، مورد ارزیابی همه جانبه قرار دهند. چون مال قبل از انقلاب را دیگر خودشان قبول دارند که آن چریک های ما، کار نادرستی بوده است، ولی به اشتباهات بزرگ این هیئت ماهه بعد از انقلاب و صدمات بسیار سنگینی که با این اشتباهات به مجموعه جنبش کمونیستی ایران وارد آمده است، با یک بررسی بی طرفانه روبرو شوند و دیگر آن ها را قبول کنند و در ازای نفعاتی های بی اساسی بگذرانند، به انتقاد از خود بپردازند.

من در اینجا با استفاده از موقع، می خواهم دروغ دیگری را که چریک های فدائشی خلق برای "اتحاد" نظریات نادرست خودشان گفتند، فاش کنم. این که می گویم دروغ، برای این است که ما واقفیت را به آن ها اطلاع داده بودیم، یعنی آن ها با اطلاع از واقفیت این دروغ را گفتند و بواسطه جهت هم من روی کلمه دروغ تکیه می کنم. آن ها نوشتند که حزب توده ایران در ۲۲ دی ماه در نامه ای به امیرالیم، نورالدین کبائیری خطاب به عبدالرحمن - قاسملو، دبیروکل کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان این مطلب را نوشته است. آن ها خواستند این طور وانمود کنند که حزب توده ایران هم نسبت به قاسملو تا این تاریخ نظر منفی نداشته، بلکه خیال می کرده است که او عنصر مثبتی است. دوستان چریک ما خوب می دانند که ما همان ها را در مقامیت که این نامه را ما به پیشنهاد جناح انقلابی رهبری حزب دمکرات کردستان و با صلاح دید آن ها، به رهبری حزب دمکرات کردستان نوشتیم، بدون بردن اسم قاسملو. ما به سازمان چریک های فدائشی خلق اطلاع دادیم که حزب توده ایران از اولین روز شروع مجدد فعالیت علمی خود در تهران - نظر خود را نسبت به قاسملو، به دوستان مورد اعتماد در رهبری حزب - دمکرات کردستان اطلاع داده است. و ما متأسفانه هستیم که در آن تاریخ دوستان ما در آنجا این نظر حزب توده ایران را در باره ما به ما با تسلی قاسملو، تخریف کردند. به همین علت هم ما سیاست صبر و صومله را در پیش گرفتیم. خود تجربه زندگی می بایست به آن ها نشان می داد که ارز با بی ما نسبت به قاسملو درست است و تجربه درستی کامل آن را نشان داد. این نامه قبل از گذر اخیر حزب دمکرات کردستان، یعنی وقتی نوشته شد، که ما فکر می کردیم با نوشتن آن در رهبری حزب دمکرات کردستان، جناح ضد امپریالیستی را در داخل رهبری حزب دمکرات کردستان، در جهت منزوی کردن قاسملو، تقویت خواهیم کرد. با آن که ما عین این اطلاعات دقیق را به دوستان چریک دادیم، باز آن ها دعوی کردند که نامه خطاب بوده است به رحمن قاسملو. این جعل است، نادرست است نامه حزب توده ایران خطاب به کومه مرکزی حزب دمکرات کردستان بوده است. در آن تاریخ "آرام" مخالف و موافق قاسملو در کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان خیلی بهم نزدیک بوده است، تقریبا دفتر در مقابل دوازده نفر بودیم و گروه قاسملو اکثریت فوق العاده ضعیفی داشته و احتمال این می رفت است که با این عمل، افشاکاری موثرتری علیه جناح همکار بعث انجام می گرفت و در داخل رهبری حزب دمکرات کردستان تغییراتی به سود منفرد ما پدید می آمد.

به این ترتیب حزب توده ایران هیچ وقت قاسملو را به عنوان یک عنصر ضد امپریالیست، عنصر ملی، نشناخت است. ما بارها گفتیم که قاسملو را به همین علت انحراف سیاسی اش، از حزب توده ایران اخراج کردیم و هیچ وقت هم حاضر ننشیم که با حزب دمکرات کردستان به رهبری قاسملو سر یک بر بنشینیم. بیالها قاسملو کوشش کرد که به نام رسمی حزب دمکرات کردستان با حزب توده ایران، سر یک میز بنشیند و رهبری حزب توده ایران حاضر ننشد. حالا چریک های فدائشی خلق که ۱۸ ماه با قاسملو نزدیک ترین همکاری را داشتند و در آخرین مرحله پس از این که ما سند خیانت قاسملو را در همکاری با بعث به آن ها دادیم و آن ها را بر حذر داشتیم که این خیالی خطرناک است که شما با چنین آدمی دارید اعلامیه منتشر می کنید، او به شما دروغ می گوید، آن اعلامیه را منتشر کردند که امروز باید چوشر با بخورند. آن ها در آن مقاله جوابی بر از فحش و افترا و تحریف به ما دادند. ما فقط به تمام افراد سازمان چریک های فدائشی خلق (چون توده های ما احتیاجی به این ندارند) توصیه می کنیم که این دو مقاله "حزب توده و انتخاب در حزب دمکرات کردستان" (شماره ۷۵ "کار" اکثریت) و مقاله اخیر ارکان سراسری سازمان چریک های فدائشی خلق اکثریت (در شماره ۷۹) در باره جنگ کردستان بعد از تهاجم عراق به ایران را بار دیگر به دقت بخوانند و جملات آن ها را با هم مقایسه کنند.

بنظر ما افراد روشن بین و صادق چریک های فدائشی خلق باید از رهبری خود بخواهند که در ارتباط با این موضع گیری های نادرست که صدمات بسیار زیاد به مجموعه جنبش انقلابی ایران وارد آورده است بسک انتقاد خیلی جدی از خود بکنند. ما مستقیم که این انتقاد از خود صادقانه کمک خواهد کرد به تقویت مجموعه جنبش انقلابی ایران، به ویژه به خود سازمان چریک های فدائشی خلق. ما کوشش خواهیم کرد که در آینده، ضمن مقالاتی این مسائل را یک بار دیگر هم تشریح و روشن کنیم.

س: در جلسات "پوشش و پاسخ" گاهی صحبت شده است از موفقیت هایی که جنبش های آزادی بخش ملی در ۱۹۵۸، در مبارزه با امپریالیسم، به دست آورده اند، از پیروزی های ویتنام، کامبوج، لائوس، نیکاراگوئه، موزامبیک، کنگو

بماتو، جزایر کاپوردی، اتیوپی، انقلاب افغانستان و بنین نام بردند که همه مستگیری سوسیالیستی داشتند و بعد هم از انقلاب ایران و تحولاتی که در اروپا پدید آمده، صحبت شده است. آیا پیروزی های جبهه مست امپریالیستی جهانی فقط در همین موفقیت ها خلاصه می شود؟ آیا یادآوری تغییرات عظیمی را که در تناسبات نیروهای جهانی به سود جامعه مست کشور های سوسیالیستی و به زیان اردوگاه امپریالیستی روی داده، موفقیت های بزرگی را که کشورهای سوسیالیستی به دست آورده اند، بهر آن های نظریستی را که در کشورهای سرمایه داری پدید آمده اند، بهر آن های نظریستی موفقیت هایی هم که امپریالیسم در این دوران با صدور ضد انقلاب در شیلی، در مصر و اکنون در عراق و در جاهای دیگر به دست آورده است، باید به انداز کافی توضیح داده شود.

ج: رفتنی که این مسئله را مطرح کرده، در مجموع به پیشنهادش حق دارد. ولی فقط توجه نکرده که در بحث هایی که تا بحال داشته ایم، این موضوع در چهار چوبی گنجانده شده است. در بحث های گذشته ما، موفقیت های بزرگ جنبش انقلابی کشورهای "دنیای سوم" در این چارچوب گنجانده شده است که این کشورها قبلا در عرصه تسلط امپریالیسم قرار داشتند. امپریالیسم با کاملاً بر آنها تسلط بوده است مثل کوبا، موزامبیک، کنگو، مائو و غیره و با این که ارتش آمریکا در نبردهای خونین علیه آزادی خواهان کشور های نظیر ویتنام، لائوس و کامبوج می جنگیده است، به این ترتیب همیشه از این موضوع در ارتباط با نبرد میان دو نیروی عظیم یعنی نیروهای ضد امپریالیستی و نیروهای امپریالیسم صحبت کرده ایم. درست است که بزرگ ترین میدان نبرد نیروهای ضد امپریالیستی و امپریالیسم عبارت است از نبرد جبهه جهانی سوسیالیسم با امپریالیسم. درست است که کشورهای سوسیالیستی بزرگترین تکیه گاه جنبش جهانی ضد امپریالیستی هستند. درست است که در خود کشورهای سرمایه داری بین طبقه کارگر و سرمایه های انحصاری نبرد فوق العاده سختی درگیر است. ولی در این جاهات میسر است، تغییرات کمی است یعنی سوسیالیست در داخل خودش از لحاظ کمی، رو به رشد تر می شود. در جامعه سرمایه داری جنبش کارگری نیرومندتر می شود و مواضع تازه ای به چنگ می آید. ولی هنوز تغییرات کیفی قطعی در آنجا بوجود نیامده است و حال آن که در کشورهای "دنیای سوم" امپریالیسم با شکست روبرو می شود و تغییرات کیفی بنیادی صورت می گیرد. و به همین جهت هم ما روی آن زیاد تکیه می کنیم. این یکی را ما به عنوان یک روند مداوم همیشه در نظر می گیریم، یعنی این سلسله است که سوسیالیسم رو به پیروزی نیرومندتر می شود، شکست ناپذیرتر می شود، مشکلات خود را راحل می کند و هیچ گونه بحرانی ندارد. بعضی وقتها در نتیجه برخی نفعات و اشتباهاتی که ممکن است پیش بیاید، کمبودهایی پدید می آید، گرفتاری های موقت پیدا می شود، مثل آنچه که اخیرا در لیبستان پیش آمده است که هیچ گونه ارتباطی با مجموعه روند گسترش و پیروزی سوسیالیسم ندارد و همین دلیل هم می بینیم که خیلی زود رفع می شود. نمونه های دیگری هم در گذشته، در مجارستان و چکسلواکی وجود داشته که رفع شده و به کلی از بین رفته است. آنچه که مسلم است جنبه جهانی ضد امپریالیستی، جنبه جهانی انقلاب روز بروز قوی تر می شود و آن را همه جنبه های سیاسی، اجتماعی و تغییرات کیفی که در کشورهای یاد شده پدید آمده است، سوسیالیست و بزرگی را در دهه هفتاد دارد که برخلاف دهه های گذشته، در آنجا که ها با سیاست گیری سوسیالیستی، با رهبری طبقه کارگر انجام گرفتند. در آن دهه تحولات آنها با تحولات دهه ۶۰ و دهه ۷۰ میلی اش متفاوت است. و این نشان دهنده آن است که تغییرات بنیادی در این بخش از دنیای کار با یکاه اساسی غارت امپریالیسم است، کیفیت عالی تری به خود می دهد و عمیق تر می شود. اگر این پایگاه غارت منحل گردد، امپریالیسم آفت زده می شود. تغییرات بنیادی در درون آن، به مسئله روز تبدیل خواهد شد. سپس جهت ما روی این مسئله تکیه می کنیم، بدون این که جهت دیگر را به هیچ وجه از یاد ببریم.

س: نظر حزب در باره موضع گیری سیاسی سازمان مجاهدین خلق چیست و در مرحله کنونی موضع گیری آنها را ما چگونه ارزیابی می کنیم؟  
ج: ما بارها درباره سازمان مجاهدین خلق، صحبت کرده ایم و نظریات این بوده است که سازمان مجاهدین خلق با توجه به نیروهای که به این سازمان گردیده اند، به طور کلی جز نیروهای خلقی است و متقدم کاپسین نیروها باید در جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم، علیه ضد انقلاب در ایران، علیه فارتگری سرمایه داری و بزرگ مالکان، در مبارزه عمومی همسو های ترقی ایران شرکت کنند ولی ماهیت طبقاتی یک سازمان سیاسی ممکن است همیشه با سیاسی که آن سازمان بالفعل اتخاذ می کند، یکی نباشد. اشتباه رهبری حزب که می تواند در دوران سختی به تمام افراد حزب منتقل شود و حتی مقاومتی هم در مقابل این اشتباه بوجود نیاید، می تواند سیاست بالفعل این سازمان ها را با مقتضای بالقیه واقعی آنها در تناقض جدی قرار بدهد. ببینید اکثریت طبقه کارگر انگلستان، علمی روم منافع طبقاتی خودش، از آنجا که آگاهی طبقاتی لازم را ندارد، زسرا سرمایه داری انحصاری نوشته است آنرا تحت تاثیر تبلیغاتی خود قرار بدهد و از هدف های واقعی و حیاتی اش منحرف سازد. عملاً و بطور عمده از سرمایه داری انحصاری که از طریق یکی از دو حزب عمده آنجا، "حزب لیبرال" و "حزب محافظه کار" وارد میدان سیاست است، پشتیبانی می کند. طبقه کارگر عمولاً به حزب "لیبرال" رای می دهد، ولی ما می دانیم که این حزب از لحاظ موضع گیری طبقاتی داخلی و جهانی اش با حزب محافظه کار که نماینده انحصاری سرمایه داری است، هیچ تفاوت اساسی ندارد. در آلمان غربی، نیز اکثریت کارگران عمولاً در سازمان حزب سوسیال دمکرات، با عضویتند و با درانتخابات از آن پشتیبانی می کنند و ما می دانیم که آقای هلموت اشیت، همانقدر نماینده انحصاری سرمایه داری آلمان غربی است که آن حزب "اتحاد سوسیالیستی" آنتراوسوما "اتحاد دمکرات سوسی" در کشورهای دیگر امپریالیستی هم وضع بر همین منوال است. به این ترتیب این وضع می تواند پیش بیاید که در نتیجه تحولات سیاسی، حتی در درازمدت بین منتهای طبقاتی یک سازمان سیاسی و سیاست بالفعلش تناقض جدی بوجود بیاید، در سازمان چریک های فدائشی خلق هم همین وضع وجود داشت. ما سازمان چریک های فدائشی خلق را هم همیشه یک سازمان خلقی ارزیابی کرده ایم، سازمانی که می تواند بر پایه موضع گیری های کلی خود در مسائل اجتماعی در جبهه متحد خلق قرار بگیرد. خوب، طی دوران طولانی این سازمان در موضع گیری های بالفعل سیاسی نادرستی، به ریان همان هدف های عمومی استراتژیک که برای خودش مطرح می کرد، قرار داشت.

به همین ترتیب ما مستقیم که سازمان مجاهدین خلق نیز در یک وضع بحرانی این جنبش قرار گرفته و گام به گام بیشتر در این بحران فرو می رود. یعنی تاریکی که از طریق ارزیابی نادرست نیروهای واقعی انقلاب ایران و یوم گیری های عمده و غیر عمده، در خود تنیده است، روز بروز صمیم تر می کند. الان طوری شده است که دور سازمان مجاهدین خلق مثل این که اجتناب دارد از این که اصولاً بر اساسی اش را مطرح کند، این نتیجه همان سردرگمی سیاسی است که رهبری سازمان مجاهدین خلق برای این سازمان بوجود آورده و ما خیال می کنیم که الان خود آنها با مسئولین با فاعلین سازمان مجاهدین باید از این نظر که در مرحله کنونی چه مسوولان می گردند، با بحران فکری و سیاسی معینی درگیر باشند. ما سطح از آزادی نداریم که الان در داخل سازمان مجاهدین خلق چه می گذرد و آیا این سردرگمی به صورت وسیع خودی با هم ممکن است در جهت عمیق تر شدن برود و آیا راهی برای بیرون آمدن از این سردرگمی نیست؟ از این امر ما اطلاع دقیقی نداریم و علت آنهم بیشتر این است که سازمان مجاهدین خلق به کلی در لاک خود فرو رفته است. از نظریات سیاسی سازمان چریک های فدائشی خلق و از موضع گیری های اش از طریق نوشتنهایش مطلع هستیم و می توانیم در باره آن ها با تمام صراحت نظر بدهیم. اما در باره

# توطئه مالکان بزرگ و روحانی نمایان شکست خورد

## عمل کنید!

## هیئت های نفی! نوبت شماست،

و هرچه زودتر و فاعل تر عمل کرد. هیئت های هفت نفری مسئولیت سازمانی و حیاتی دارند. حالادیکر آنها نایب امام خمینی و نظریه مجدمشیت سه فقه را نیز با خود دارند. آنها از این جانب دلگرم شده اند و راجب مشارکت دهقانان نیز قویند هستند.

### نوبت عمل نفی هیئت هاست.

طرح واگذاری زمین هر چه زودتر و کامل تر عملی شود، بمعنی انقلاب ما خواهد بود و یکی از پایگاه های امیرالایم و یکی از سرچشمه های استکبار و استعمار را در هم خواهد شکست. از یاد نبریم که بمعنی اقدامات ضدانقلابی و روشی های لیبرالی و مانع تراشی های آنچنانی، در اجرای قانون مشیت ما مانع گردیده و حالا دیگر باید قاطعانه عمل کرد. در جبهه اقتصادی نبردی دشوار و طولانی رودر روی است. باید از هم اکنون خود را همه جانبه برای این نبرد، که هیچ وجه کم اهمیت تر از نبرد نظامی نیست، آماده کنیم. یک تالوده ای اساسی این آمادگی واگذاری کهنه ریسپناه دهقانان تهیدست و الفای بزرگ مالکی عارستراست. دهقانان خودشان با مبارزه خود مقاومت و نبردی فتودالها، با حق طلبی و هتباری خود، با مراجعات مکرر و تظاهرات و نامه های خود، با توسل به مجرای استفاده از صاحب معای رسامه های گروهی، بارها و بارها، مستقیما و صراحتا، این واقفیت را به مسئولان امور می گویند.

هتبارباشیم. حالا که با راهکشی امام خمینی مرحله آخر کارشکنی ضد انقلابی بزرگ مالکان و مالانها با تکلیف روبرو شده، باید با دقت فراوان، بدون خاج کردن حق، بدون زیاده روی و با تجاوز به حقوق حقه، خود مالکان، قانون را اجرا کرد. باید کلیه زمین ها را به دهقانان زمین خوار سپرد، نظام اربابی را ریشه کن کنیم. با ایجاد تعاونی ها بر روی زمین هایی که با مالکیت متاع به دهقانان سپرده می شود، راه تکامل کشاورزی را بگشاییم. با ایجاد مراکز خدمات فنی و مالی و اداری کشاورزی به رتد این رشته حیاتی از اقتصاد کبک کنیم، با تکیه به نهادهای مدنی و ویرانه های جامعه روستایی ایران را از وضع فلاکت زدودیم و مقید مانده بدر آوریم.

درست است که برای حل معضلات کشاورزی و مسئله ارضی یک برنامه همه جانبه اجتناب ناپذیر است. اما اقتصاد لازم است ولی در هر لحظه باید حلقه اصلی را در سلسله زنجیر مسائل تشخیص داد. کلید کسوفی حل این مسائل در مرحله اصلی مبارزات از عمل قاطع و سریع هیئت های ۷ نفری در جهت منافع دهقانان تهیدست است. اساسی واگذاری زمین را، این هیئت ها باید با دقت و پاهتباری و در همین حال با سرعت و با قاطعیت بردارند. تا راه تکامل آینده روستای ایران گشوده شود. دهقانان چشم براهند و معرانه می طلبند که کار و گذاری زمین ها انجام شود. پس از درهم شکستن توطئه اخیر مالکان بزرگ و روحانی نمایان شرایط برای شروع انجام واگذاری زمین ها آماده است. هیئت های هفت نفری و مقامات مسئولین! نوبت شماست!

تهید و کمتبه اعداد امام هستند و همان ها نیز وثیقه اجرای آن. از این تصمیم و از اجرای هر چه سریعتر و دقیق تر آن انقلاب ما سود خواهد برد. از این تصمیم، امر بسیج میلیون ها دهقان در نبرد مسلحانه، علیه دشمن تجاوزکار سود خواهد برد. زیرا که با اجرای آن دهقانان می دانند که از زمین خودشان مدافعه می کنند. از این تصمیم امر تولید کشاورزی و رسیدن به حد مقدر خود کفایتی سود خواهد برد. زیرا که با اجرای آن دهقانان می دانند که مجموع کارشان دیگر به جیب بزرگ مالک نخواهد رفت.

دهقانان ایران در وسعت کشور ما نشان دادند که به حقوق حقه خود واقفند و دیگر با لالایی های گذشته مالکین به خواب نمی روند و مرعوب عمل چاق به دست پاتسیب به دست آنها نمی شوند. دهقانان زحمتکش قاطعانه می ترسند از هیئت های ۷ نفری ملغور و واگذاری زمین حمایت کردند و عمل هر چه زودتر و تعیین سریع تکلیف زمین ها را خواستار شدند. آنها با حق طلبی، قاطعیت و هتباری خود دست رد بر سینه مالکین و بلندگویان مالکین و کسانی که به نام روحانی به دهات ازمزم شده بودند، گذاشتند و نقش تاریخی بزرگی در پیشبرد جامعه ما و حل یکی از حادث ترین و مرموز ترین مسائل آن ایفا کردند.

نهادهای انقلابی، به ویژه جهاد سازندگی و سپاه پاسداران در همه استان های کشور سهم عالی و شایسته، خویش را در حمایت از دهقانان نشانی دادند و مقابله با اعمال گوناگون مالکین بزرگ را کردند و نشان دادند که در این عرصه، حیاتی نیز واقفان شایسته، عنوان پرافتخار "نهادهای انقلابی" هستند.

لولوی "نقشه کمونیستی" و "مترک" ضد اسلامی در این نبرد حق و باطل کارگر نجات داد. طرفداران اسلام راستین نشان دادند که در کشور ما، کشاورزی و نیرومندی بسیار برخوردارند و در برابر رفاه و القاب و "عاطف السلاطین" و "حشتم زده عقب نشینی نمی کنند، بلکه قاطعانه از حقوق مظلومین و آزادی روستاییان و انقلابی مکتب مدافعه می کنند. آنها شایسته روحانی نمایان را که می توانست میلیون ها دهقان را به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدین وثه امید سازد، نقش بر آب ساختند.

قوای انقلاب نیرومندند. ولی پایان یافتن این مرحله از هموردی بزرگ مالکان و اعمال آنها علیه برنامهم انقلابی اصلاحات ارضی به معنای تسلیم شدن آنها نیست. اگر هر چه زودتر قانون اجرا و بزرگ مالکی ریشه کن شود، این زالوها و ویژه خواران آنها جان خواهند گرفت و بار دیگر به انقلاب، به دهقانان زحمتکش و به نظام جمهوری اسلامی ایران حمله خواهند برد. برای آنها اقدام در حیاتی ترین لحظات، همچون تجاوز نظامی دشمن نه فقط اهمیتی ندارد، بلکه ماسب و مساعد هم بشمار می رود. باید تمامی ابتداء خطری را که از ناحیه بزرگ مالکی متوجه جامعه ماست، در کمر کرد

آید و یکسانی و قاطعیت تمامی مردم انقلابی را علیه توطئه های ضد انقلابی آشکار سازد. به کمک این روحانی نمایان، که مسخ کننده روح اسلام انقلابی اند، مالکان غارتگر و تفرقه افکنی آغاز کردند. تحریک و تشنج آفریدند، فتوایان دهات پخش کردند. عملا در صف ضد انقلاب قرار گرفتند و برای دشمن متجاوز فرصت های مستقیم ایجاد کردند. بار دیگر دو خط، آشکارا، در برابر هم قرار گرفتند: در کنار دهقان زحمتکش و حق طلب، همه "انقلابیون صدیق"، همه "مسلمانان مستبدر استین و روحانیان مبارز انقلابی و پیروان خط امام، و در مقابل آن، در کنار مالکان بزرگ و عناصر ضد انقلابی، مشتکی چافادار و گردنکش و عده های روحانی نما، که با اقدامات خود برای انقلاب و اسلام تنگ آفرینی می کنند. این خط دوم در حاشیای ترین لحظات تجاوز نظامی دشمن، خائشان می- نقاط شدند و مقامات مسئول و صاحب نظران کشاورزی ناچار شدند به امام خمینی مراجعه کنند.

اهمیت رهنمود قطعی امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در آخر این هفته ما مهیبر، که یکبار روز سوم آن در مطبوعات و بار دیگر ۱۵ آبان در رادیو و تلویزیون توسط آقای سلامتی وزیر کشاورزی اعلام شد، در همین است که خط دهقانان و انقلابیون، صراحتا و بیگانه مورد تأیید قرار داده شد.

به این ترتیب ماهیت تشنات ضد انقلابی و ضد اسلامی خط بزرگ مالکان و بلندگویان آن نیز افشا گردید و راه برای عمل هموار شد. در این روز اعلام شد که امام خمینی مسئله را به تصمیم گیری مشترک آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت اله مشکینی محول کردند. تا برای بهانه جواری خرابکار دیگر از نظر فقهی نیز هیچ گونه جای ایرادی باقی نماند. جلسه مشترک سه تن فقهی، که قبلا نیز طرح اصلاحات ارضی با واگذاری و احیای زمین را تأیید کرده بودند، به این نتیجه رسید که: طرح موهبه شورای انقلاب تأیید و کفایتی السابق اجرا شود و روی اجرای آن دقت بیشتری هم می شود. به این ترتیب، در مصاف تازه ای که مالکان بزرگ برجایه ما تحمل کردند و در تشنج خطرناکی که به وجود آوردند، باطل شکست خورد و حق به کرسی نشست. بار دیگر ضرورت اجرای دقیق قانون اصلاحات ارضی و شروع عمل هیئت های هفت نفری تأیید و تصریح گردید. پشتیبان این تصمیم میلیون ها دهقان ایرانی، همه نیروهای انقلابی و مترقی، نهادهای انقلابی نظرسپاه پاسداران و جهاد سازندگی و هیئت های هفت نفری، مسئولان معتمد بنیاد منتظمین و کمتبه ای انقلاب و دادگاه های انقلاب و بنیاد

برای آن که میلیون ها دهقان در حکم سلب آمریکا و شش دارو دهنه مدام بسیج خود و ارتش سبب مسیوی ما تمام قدرت خود را به مسکریس سوطه کشما باند، ضروری است که هر چه زودتر قانون واگذاری زمین اجرا شود، بساط سرک مالکی برجیده گردد و گله زمین ها بدون استیلا به دهقانان سپرد و که زمین داده شود.

برای آن که میلیون ها دهقان زمین زبرکت رود و محاصره اقتصادی آمریکا از خطر حصار ساز و آزار عمومی در هم شکسته شود و بنوامم محمولات مورد نیاز اساسی رزاعی و دامی وارد داخل کشور تولید کنیم و در جبهه اقتصاد سر دشمن را به سرانسو در آوریم، ضروری است که هر چه زودتر عانسون واگذاری زمین را اجرا کنیم و به سلسله عارنگرانه و فاسد زمین داری بزرگ پایان دهیم و همه دهقانان را صاحب زمین و آب و محصول کار خویش گردانیم. منتظریم یک مسئله حیاتی و گرهی و اساسی جامعه انقلابی ما است. انقلاب ما نتکتم خواهد شد و معین خواهد رفت، اگر حق را به خود دار و زمین را به دهقان برساند و برای زمین موقاطفانه و از ریشه نظام بزرگ مالکی را نابود کند. انقلاب ما نصعب خواهد شد و متزلزل خواهد گردید و در معرض انواع توطئه ها از بیرون و بیرون فشار خواهد گرفت، اگر بار هم بغایای نظام فتودالی معای مادی و بزرگ مالکان شیشه عمر اقتصاد کشاورزی ما را در دست های چپاولگر، ناپاک، فاسد و فاسد خود نگاه دارند.

جنگ با مدام و روبرویی صریح با توطئه های براندازی آمریکا، بار دیگر این مسئله حاد و اساسی را در دستور روز جامعه ما قرار داد و اهمیت و حدت آن را ثابت کرد. هم زمان با حمله و تجاوز و توطئه افروزی کشور، موجی ضد انقلابی علیه قانون موجود موهوب شورای انقلاب و آئین نامه اجرای آن برخاست. تشنات نه تنها از حساب مالکان بزرگ و عوامل مسلح و جاسفداران و وابستگان اداری آنها احیام گرفت، بلکه گروهی از روحانیون وابسته به معاص فتودالی و گروهی های طاعوتی، با دقت و تکیه، روحانی نمایانی که با سوء استفاده از مقام و نام خویش اسلام اصل را بدنام می کنند و مقاصد نادرست، ضد اسلامی، ضد انسانی و مستکراه خویش را در پشت فتوا های آنچنانی پنهان می کنند، به میدان آمدند و به میدان فرستاده شدند.

در حالی که مسلمانان معتمد راستین و روحانیان مبارز پیرو خط امام در راه احقاق حقوق منتظمین دهمی رومد و می خواهند یکی از ماسد ترین و تواتر ترین رستم های استکبار را، که بزرگ مالکی و غارت میلیون ها دهقان است، برکنند. این "عاطف المانکی"، که سابقا مدافع السلاطین جزوده اند، داد و در بر باد بر آوردند که: "اسلام از دست رفت و دین نابود شد".

در حالی که هیئت های هفت نفری با شرکت نمایندگان دینی و مراجع دینی و نهادهای انقلابی کار تحقیقی خود را به پایان می رسانند و می خواهند مرحله عملی واگذاری اراضی را آغاز کنند. این وعاطف المانکی نشان کردند که: "دارد کمونیستی می شود" و "تصار و و صسو ... باطل می شود ..."

در حالی که لازم بود تمام جامعه ما، یکپارچه و متحد، بسیج شود و مانند منت محکم، و به کمتبه امام خمینی دست واحد ۳۵ میلیون جمعیت بر بوز مدام متجاوز و حاصبان آمریکایی او وارد

# انقلاب ایران در مقابله با تجاوز امریکا رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران

موفقیت های امیرالایم در زمینه فعالیت خرابکاری و تبلیغاتی اش این است که توانست متعصری از این قماش را در تمام دنیا تجهیز کند. باید بگوییم برای شان درست کند، مستکشان کند و به جان جنبش های اصل انقلاب بیاورد. البته این متعصری به جامعه ایران نیست، این ها در تمام قواج هستند، در تمام کشورها هستند و سیاستشان هم همین است که در این ها به کار می برند: سیاست آنا رشیستی و تخریب در امر تجیح نیروهای خلقی ضد امیرالایستی.

ما با این پیشنهاد که باید با مقالات توضیحی بیشتر جوانان فریب خورده ای را که به دنبال این ها هستند، راهنمایی کرد، موافق هستیم. ولی من امید زیادی به شما نمی دهم که این کار موفقیت زیادی در پی داشته باشد. ما این کار را می کنیم و وظیفه ما هم همین است. ولی وقتی این همه واقعات سر سخت روزمره، نتواند آنها را از مز این عناصر بیرون بکشد و به آنها بپیماند که کاتالین حرف ها که شما می زنید، همایش پرت و پلاست، انحرافی و بی معنی دشمن است، وقتی این همه واقعات جهان نتواند آن ها را راهنمایی کند، مقالات ما البته نمی تواند اعجاز کند. ما به عنوان یک وظیفه حزبی، این مقالات را هم خواهیم نوشت، ولی من به مابقی از رفقا توصیه می کنم که واقعا در این زمینه بیشتر تعمق کنند. گاهی اوقات بحث کردن با این ها اصلا فایده ای ندارد، وقت تلف کردن است، به تمام معنا وقت تلف کردن است. شما اگر این وقت را صرف بکنید برای با سواد کردن یک کارگری - سواد ارزش اجتماعی و تاریخی اش به مراتب بیش از آن است که بشنیدید با این ها بحث کنید. این ها خنر و فکرتان منسج شده است. این یک پدیده تاریخی است و هیچ کاریش هم نمی شود کرد. کتاب و نشریه و توضیح به اندازه کافی وجود دارد که اگر کسی دارای کترین حسن نیت و کترین ترمش برای پذیرش منطق باشد یعنی مغزش متحجر و منجمد نشده باشد، با مراجعه به آن ها خیلی از این لاطاللات از مغزش بیرون می رود. ما می بسیم کملی یک سال اخیر چنین تحولاتی مثلا در جرک های فدائی خلق (اکثریت) صورت گرفته و این نشان دهنده آنست که خوب همین واقعات، همین انتشارات و همین توضیحات توانسته است، متعصری را که دچار تحجر فکری نیستند، از مواضع بسیار نا درستی که داشتند تدریجا به مواضع درست راهنمایی کند. ولی در مورد "بیکاری ها" و امثال آن ها می بسیم که این ها درست تأثیر محکوم دارد، یعنی روز بروز بیشتر دارند به طرف دیگر، به طرف اسفل السلاطین تاریخ پیرو می کنند. در همین زمینه ما به معصومی با اعلامیه های از این ها دیده ام که تعجب انگیز است و واقعا فقط می شود تعجب کرد که چگونه ممکن است کسی ادعا کند که من مارکسیست هستم. کتاب مارکسیستی خوانده ام و از مارکسیسم چیزی فهمیده ام و آن وقت در چنین لحظه ای این لاطاللات را بنویسند و در حوزستان اعلامیه بدهند که جنگ ایران و عراق را باید به جنگ خلق علیه ارتجاع تبدیل کرد!

ما خیلی خوشحال هستیم که در رهبری جمهوری اسلامی ایران بالاخره به این نتیجه درست رسیده اند که یک "جپ" آمریکایی در ایران وجود دارد. مدت ها طول کشید تا به این نتیجه رسیدند. در اوایل چنین نظری نداشتند، همرا کمونیست می پنداشتند، همه را هوادار و آقین جنبش اصل سوسیالیسم علمی و کمونیسم علمی تصور می کردند و می گفتند کمونیست ها همه تیان همین هستند. ولی امروز آن ها را از هم تفکیک می کنند و باید بگوییم که این جا هم درایت امام خمینی در امر تفکیک "جپ" آمریکایی و "جپ" اصل انقلابی ایران تأثیر تعیین کننده داشته است. "جپ" آمریکایی آگاهانه با غیر آگاهانه متعصری، نقش ستون پنجم امیرالایم را ایفا کرده می کند و در این درگیری اخیر، در این تجاوز عراق، سهامی واقعی خود را بطور کامل روشن نشان داده است. در مورد جپ اصل انقلابی ایران هر قدر هم تکرار کنند که "وابسته" به شوروی است، ولی نمی توانند انکار کنند که این جپ اصل از انقلاب اسلامی ایران مادقانه و به طور بیکری پشتیبانی کرده می کند. هر چه می کاوند ایرادی نمی توانند به او بگیرند، می می گویند شما تے دلان این طور نیستید، ولی در عمل نمی توانید کوچکترین ایرادی بگیرند که حزب ما در پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران ذره ای کوتاهی کرده باشد.

خوب این "جپ" آمریکایی، نوانسته است عده ای از جوار، های ما را که اکثرا از قشرهای مرفه جامعه هستند، به دنبال خودش بکشاند. در این جا یک پایه طبقاتی وجود دارد و یک عنصر فهم و ادراک. این دو درهم تأثیر می کنند. دارندگان گرایش های "بیکار"، گرایش های "جپ" آمریکایی، "جپ" آنا رشیستی، "جپ" ضد پرولتری، از لحاظ پایه طبقاتی نمایندگان اقتدار متوسطی هستند که سرمایه داری بزرگ آن ها را به ورعشکنی می کشاند و در نتیجه روح عصیان و شورش در آن ها برمی انگیزد و چون این اقتدار معمولاً محیط استنارتیون دکان بی ارتباط نیستند، در همین این که با تمام وجود در محیط مرفه استنارتگران قرار دارند، خود را به انگران گرایش های خلقی توده ای و صد سرمایه داری می پندارند با معرفی می کنند. این است پایه طبقاتی آن ها.

اما از لحاظ پایه فقهی و ادراکی، اگر شما با هر کدام از این ها صحبت کنید، می بینید در سطح فوق العاده پاهینی از فهم و ادراک قرار دارند. از درک صحیح عادی ترین مسائل عاجزند و در زمره عناصر بسیار عقب افتاده ای هستند که وقتی چیزی در مغزتان مرور رفت، هر قدر هم آن چیز درست باشد، هیچ و فقهی، هیچ منطقی، هیچ علمی، نمی توانند آن را از مغزتان بیرون بکنند. بدین جهت است که وقتی شما با این افراد برخورد می کنید، از تحجر فکری آن ها، از سردرگمی های آن ها، از موهوماتی که در مغزتان وجود دارد، دست دجار تعجب می شوید. آن ها موهومات خود را، علی رغم کوهی از دلائل و واقعات مسلم و مبرهن تاریخی و اجتماعی که در رد آن وجود دارد، مدام تکرار می کنند. این ها از فماتر، عجیب و غریبی هستند و یکی از

بقیه از صفحه ۵  
مجاهدین خلق فقط می توانیم بگوییم که این توی لاک رفتن شما، با منافع انقلاب ایران منقطع هیچ گونه نظامی ندارد، بلکه به تمام منافع کذاشتن نیروی قیام توحیدی از سازمان انقلابی در یک لحظه، حساس نارنج انقلاب ایران است و این تنها به سود و منافع انقلاب است، تنها به سود دشمنان انقلاب است. این است آنچه که ما در باره سکوت واقعا سوال انگیز رهبری سازمان مجاهدین خلق می توانیم بیان کنیم.

س: ما توی هیئت های خائن و در رأس آن ها سازمان "بیکار"، در رابطه با جنگ محملی امیرالایم به جمهوری اسلامی ایران، به سپاهانی علیه انقلاب متعصبی، مثلا "بیکار" ها، علنا توده ها را به خیال خود به منصرف از دفاع از میهن و انقلاب می خوانند. آیا به نظر شما جوانان صادق، اما فریب خورده ای که به دنبال این عناصر هستند، نباید راهنمایی شوند؟

ج: یکی از دقیق ترین اربابی های حزب ما در باره "ترجمه های پوک است. البته ما منتقد نیستیم که همه ترجمه های پوک را باید ما تویستیم، به معصومی که در مورد سازمان رنجبران به کار می رود. نامید - بعضی از این سازمان های وابسته ترجمه های پوک ظاهر خودشان را از نظریات ما، کنار می گیرند و معتقدند که با طرفدار نظریات آلبنی هستند و با طرفدار نظریات "توابعی" که بعدا متولد خواهند شد و این ها قبلا توانستند نظریات داهیه آن ها را کشف کنند. این ها امثال همان "رزمندگان" و "سازران و مبارزین و معیره هستند. سازمان بیکار هم یکی از این ها است که خود را دیگر ما تویست می داند. در همین حالی که تقریبا کل و لای تمام نظریات ما تویستی در افکار و اربابی های باقی مانده است. نقش کما این ها از اول انقلاب تا کنون بازی کرده اند، عملا همان نقش ضد انقلاب و امیرالایم است. حال رهبری این گروه ها آگاهانه چنین نقشی را بازی کرده اند با این که منضم متحجر موجب شده است که در برخورد به مسائل اجتماعی ما "اعتقاد خود" جنس فشی داشته باشد، این را تاریخ باید روشن کند. آنچه مسلم هست، این است که این گروه ها از بیکار گمان تا "ظوفان" و "رزمندگان" و معیره عملا تعصب کرده اند، درست همان چیزی است که امیرالایم در ایران حواس را آن بوده است. خواست امیرالایم این بوده است که بین نیروهای راسس انقلاب ایران، در درجه اول بین نیروهای مسلمان انقلابی و نیروهای هوادار سوسالیسم مرفه و نقای بیافکند و از این راه هم بین جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانان جهانی اش که در درجه اول عبارتند از کشورهای اصل سوسالیسی و احزاب کمونیست سراسر جهان، این در آن توصیه نامه عروف برزیسی که به آقای وس بطور خیلی روشن دیده می شود و کاملا هم قابل فهم است، "تفرقه بینداز و حکومت کن". کجا باید تفرقه بینداری؟ آنجا که از همه مهم تر است، خوب، چه کسی می تواند در این زمینه بهترین نقش را بازی کند؟ کسی که پرچم فرمز بلند کند و داس و چکن هم بر آن بزنند، ولی معین سیاست آمریکا را در ایران پیاده کند.

# امام خمینی: امروز طر حبهائی که اینها (دشمنان انقلاب) میخواهند پیاده کنند، از آنوقت شدیدتر است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی یک سخنرانی در مقابل وعاظ، گویندگان و خطبای مذهبی، به مناسبت نزدیک شدن ماه محرم، مطالب مهمی ایراد کردند. امام خمینی بر جنبه سیاسی مجالس و عطا در ماه محرم تأکید کردند و آنرا برای پیشبرد انقلاب دارای دایره بزرگ تفسیر نمودند. امام خمینی تأکید کردند که اربابان رضاخان و محمدرضا خان تلاش میکردند که مجالس و عطا را از جنبه سیاسی آن خالی کنند. امام خمینی در مورد توطئه‌های دشمنان انقلاب ایسران علیه روحانیت مبارز و انقلابی از جمله گفتند:

ما باید گمان نکنیم که مسائل ایران حل شده است، تمام شده است. هم مسائل فرهنگی تمام نشده است. و هم سایر مسائل. شما هیچوقت خوف از این نداشته باشید که دولت فاسد عراق حمله کرده است و دارد مثلا کارهای خلاف میکند، از اینها هیچ موقع خوف نداشته باشید. اینها نمی توانند کاری انجام بدهند. شما از این خوف داشته باشید که اینها داشته باشند، حالا پیشتر داشته باشند... امروز طر حبهائی که اینها میخواهند پیاده کنند از آنوقت شدیدتر است و ما باید بیشتر چشم و گوشمان را باز کنیم. امام خمینی، سپس خطبایلیغات دشمن علیه روحانیت مبارز و انقلابی و خط رهبری انقلاب را یادآور شدند و از جمله گفتند:

«تلیفات اینها برای ما ضررش بیشتر از جنگهاست. سادمانیاید برخورد کرد با این تلیفات ما از جنگ چه ترسی داریم. به ملت که حاضر است برای شهادت و شهادت را فوض عظیم میدانند چه باکی از این مسائل دارد از اینکه باکی نیست تازه وقتی که یک جنگی شروع میشود ملت ما بیدار میشود بیشتر متحرک میشود شما ببینید در این جنگی که به ایران تحمیل کردند و انتحاس ختن به اسلام مخالف سرسخت اسلام این جنگ را به پا کردند ایران چه جز یازدهم شد. یکپارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به یک مقصد سرتاسر ایران کدام کار ممکن بود که اینطور

## مناسبات اتحادیه‌های کارگری شوروی و نیکاراگوئه گسترش می‌یابد

میان اتحادیه‌های کارگری اتحاد شوروی و نیکاراگوئه موافقت نامه‌ای به امضاء رسید که بموجب آن اتحادیه‌های کارگری شوروی به رفقای نیکاراگوئه‌ای خود در سازمان دادن به تنظیم برنامه‌های توسعه اجتماعی کمک خواهند کرد. بنابه گزارش روزنامه تروود، این موافقتنامه در جریان بازدید دوستانه یک هیئت از سازمان اتحادیه کارگری ساندرنیستاز شوروی به امضاء رسید. گروهی از مشاوران اتحادیه کارگری اتحاد شوروی بزودی برای یک اقامت سه ماهه و کمک به اتحادیه‌های کارگری نیکاراگوئه راهی این کشور میشوند. همچنین فراست گروهی از کارشناسان اتحادیه‌های کارگری نیکاراگوئه مدت ده ماه در شوروی تحت آموزش قرار گیرند.

## بقیه از صفحه ۱

توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی گفت: در ضمن توصیه‌ها اینست که در این شرایط توجه یکنند بازم ضدانقلاب که ناامید شده از تهاجم نظامی، چون این تهاجم نظامی آخرین تیر ترکش بود، باز شروع کرده به جنگ تبلیغاتی در داخل بر علیه روحانیان، ما، بر علیه نیروهای خط امام، ما، در جهت ایجاد تفرقه بین جناحهای مختلف مردم، در جهت تفرقه بین برادران نظامی و غیر نظامی، اینها را توجه کنید، مراقب باشید که توطئه‌های ضدانقلاب ادامه دارد. فراتر کنید که تمام شده و همگی در جنگ خلاصه شده. توطئه جهانی دارند. آمریکایی که خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته و شبانه روز در خدمت عراق است، با امنیت کامل، امنیت از طرف اسرائیل که در کناره بندر ایلات است، امنیت از طرف آمریکا که اردن رژیم نیست - نشانه‌اش است و دارد تدارکات تأمین می‌کند برای خودش در رسانه‌های گروهی اعلام می‌کند که اگر گروگانها بترسی دانه شود آمریکا تدارکات نظامی برای ایران تأمین می‌کند. اینرا فقط هم در حرف می‌گوید، حتی در گذشته به قراردادهای خودش هم عمل نکرده بود آمریکا، این را می‌گوید دلیل اینکه انقلاب ما را از لحاظ تبلیغاتی در جهان وابسته نشان دهد، توجه بکنید همه این توطئه‌ها بخاطر اینست که انقلاب نتواند این مرحله حساس و بحرانی را به سر برساند. فقط به شما بگویم که انقلاب ما اشغال است پس از پیروزی در این جنگ و پیروزی در این مرحله انقلابی خواهد بود که دیگر توطئه‌های بر علیه‌اش پیدا نمیشود. حتی شروع شود، چرا که توطئه‌ها وقتی قطع می‌شود که احسلی بشود که انقلاب مانسکت لا پذیر است، قدرتمند است.

وی در پایان سخنانش از رشادت و جانبازی برادران آبادانی که سرسختانه در مقابل متجاوزین صدام به دفاع از شهرشان مشغولند یاد کرد و اظهار امیدواری کرد که پیروزی نزدیک است.

سپس حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران و دبیر وقت کمیته شورای عالی دفاع، به ایراد خطبه‌های نماز جمعه پرداخت. وی در باره ادامه انقلاب و مبارزه با امان مردم علیه امپریالیسم آمریکادار رابطه با انتخابات آن کشور از جمله گفت:

«دور رس قدرتهای بزرگی که با ملت ما و اسلام ما و جمهوری ما مخالفت می‌کنند استکبار آمریکاست که از هیچ وسیله‌ای برای نابودی انقلاب اسلامی فروگذار نمی‌کند. مسئله اول اینست که موضع ما در مقابل آمریکا چیست؟ ۱۵ سال قبل امام ما در آغاز این مبارزه سرریحا گفتند

## حجت‌الاسلام خامنه‌ای: باز هم با آمریکا جنگیم

رئیس‌جمهور آمریکا بدانند که امروز مینوس‌ترین و منفورترین چهره‌ها در نزد ملت ما اوست. این خط ضد آمریکایی انقلاب ما را ترسیم کرده. حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: امروز مسئله گروگانها و همچنین مسئله تغییر دستک در بر روی آمریکا، این سؤال را بوجود می‌آورد لاطر در ذهن بعضی از مردم، که آیا سیاست جمهوری اسلامی در برابر آمریکا چیست؟ آیا کوتش مجلس شورای اسلامی برای حل مسئله گروگانها بمعنای تغییر مشی سیاست دولت جمهوری اسلامی دستگاه اجرایی در مقابله با آمریکا است. جواب اینست که نه. همان‌روزی که ما، همان‌روزی که ما در یک روز با اصل مسئله گروگانگیری، سیاست نفوذ - تپذیر سلطه آمریکا را در نظر دنیا به وضاحت و رسوایی کشانیدیم، امروز هم با طرح مسئله گروگانها، آنچه‌ای که در مجلس شورای اسلامی مطرح شد، دنباله همین حرکت را ادامه می‌دهیم. دنیا امروز میدانند و میفهمند که ملت ایران که نمایندگانش در مجلس شورای اسلامی تصمصیم گرفتند دولت ایران که خود منتخب مردم است و مجری احکام و مقررات مجلس شورای اسلامی است، درباره مسئله گروگانها یک حرف حق و شروع داشته است و گروگانها دستکگاه جاسوسخانه آمریکاییان در ایران سند محکومیت سیاست آمریکا در ظرف ۳۰ سال گذشته و همچنین در ظرف دوران پس از انقلاب تا روز تصرف لانه جاسوسی در موضع گیری‌های علیه ایران است. ما مسئله گروگانها را با دل بطش و خاطر جمع برای دنیا مطرح کردیم و این به معنای اینست که ما یک برگ دیگر از برگهای پر رنجه سیاه آمریکائی‌ان حاکم را در مقابل مردم جهان رو کردیم و نشان دادیم. در مسئله گروگانها، نظر ما این بوده است، یعنی نظر ملت ایران، این بوده است که آمریکا را بتواند یک دولت متجاوز و دخالت کننده در امور داخلی ملت‌هایی که آنها را زیر فرمان خود میخواهد، به دنیا معرفی کند، اینکه را کردیم و با این آخرین عمل و اثر است شرایط آزادی گروگانها که مجلس شورای اسلامی مقرر کرده است بلزم حمایت خود را االیات می‌کنیم. این به معنای خانه جنگ ما با استکبار آمریکایی است. وی افزود: «باز هم با آمریکا می‌جنگیم. زیرا آمریکا ظالم است، زیرا متکبر است، زیرا جبار است و زیرا با اسلام مخالف است. یا استقلال ملت ما و ملت‌های مستضعف مخالف

حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزودند: «باز هم با آمریکا می‌جنگیم. زیرا آمریکا ظالم است، زیرا متکبر است، زیرا جبار است و زیرا با اسلام مخالف است. یا استقلال ملت ما و ملت‌های مستضعف مخالف

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، سپس در مورد خصایصی که حکومت ریگان خواهد داشت، گفت: «مشاور رئیس‌جمهور جدید آمریکا، رئیس سابق دستگاه مخوف جاسوسی قتاله سیاه است و این برای رسولی این حکومت کافی است. علنا طرفدار نژاد پرستی است. علنا طرفدار صیونیسم است. علنا طرفدار تقویت قدرتهای متروزی مینوس و مغفور ملت‌هاست. این سیاستی است که دولت آمریکا را با شکست قطعی و حتی مواجه خواهد کرد.

وی سپس بعنوان نتیجه‌گیری گفت: «در رابطه با دشمن و جریان باطل و شر که ما با او روبرو و در حال مبارزه‌ایم، وضع هیچ فرق نکرده است... ما باید با اعتماد قوه، یا آمادگی‌های کافی این دشمنان خدا و شیطان بزرگ و دشمن خدا را پترسانیم.

کند و ارتش باید با مردم یگانه و همراه بشود، مخلوط با مردم بشود. حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: «البته ارتش مانند هر ارگان دیگری که در دوران فرهنگ مادی فاسد طاغوتی گذشته شکل گرفته بود احتیاج به خانه‌تکانی داشت. این خانه‌تکانی را هم کردند. در ارتش عناصر مومن میدان عمل و فعالیت پیدا کردند. امروز هم همان حرف روز اول هست. یعنی ارتش باید انسجام بیشتری پیدا کند با مردم ارتباطش را با یکان و صمیمانه و برادرانه باشد و بماند... عناصر مومن در ارتش بیارند. عناصر آماده و مخلص بیارند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس ضمن اشاره به جانبازی‌های بی شماری که بوسیله هفت تن سرسخت و جوانان رزمنده فنا کار سپاه پاسدار انقلاب در صحنه‌های نبرد با متجاوزین صدامی انجام می‌گیرد، در رابطه با وضع جبهه‌ها توضیحاتی داد. وی از جمله درباره وضع آبادان گفت: موضع آبادان از آنجمله تا این جمعه‌ای که من با شما حرف می‌زنم بخاطر همین حماسه آفرینی‌ها بسیار تفاوت کرده است. دشمن به جزیره سره را زیر اشغال در آورده بود و جنگ تن به تن در چند کیلومتری آبادان از طرف جزیره ادامه داشت. اما امروز که من با شما حرف می‌زنم به همت نیروی رزمندگان مسلمان، از جناحهای مختلف نظامی و انتظامی و داوطلب، دشمن از جزیره آبادان پکلی بیرون رانده شد و دو کاره رود بهمنشیر در اختیار جوانان ماست. وی سپس افزود: «باید همچنان قدرت و نیرو، انضباط، انسجام، آموزش، برود بی انجام بگیرد، باید همه احساس مسئولیت بکنند. هیچ‌یک از آحاد چه از رجال سیاسی و چه از رجال نظامی نباید احساس کنند که مسئولیتشان تمام شده. روز بروز ابتکارهای بیشتر و جدیدتر و تازه‌تر تا پیروزی نهایی و تاراندن دشمن از خانه و تا سقوط مزدور ولید دستگاه‌های صیونیستی و امپریالیستی یعنی صدام کافر».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پایان به وضع انزمام سرایان منتفی خدمت ۵۶ اشاره کرد و گفت: «آن قدری را که برای چهل و چند هزار باقیمانده جذب نشده از این سرایان در نظر گرفته شده بود، آن تدبیر شروع به اجرا شده... حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه‌های خود همچنین به نقش تخریبی رادیسوهای امپریالیستی و صیونیستی نظیر رادیسو، سی، رادیسو صدای آمریکا، رادیسو اسرائیل و رادیسو عراق و... و برنامه‌ها و شایعات زیادی که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پخش می‌کنند اشاره کرد.

در مراسم نماز جمعه این هفته نمازگزاران هوشیار و انقلابی، با شمارهای یکپارچه «کاخ سفید کافر»، خراب شده پسرش - گردیده جانشینش رقیب غارتگرش - و نیز فتنه تسلیم، نه سازش، نبرد با آمریکا، عزم و اراده خود را برای ادامه مبارزه با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های علیه انقلاب اعلام کردند.

## دولت اتیوپی، با پشتیبانی آمریکا، تشنج را در منطقه افزایش می‌دهد

دولت اتیوپی در نامه‌ای به سازمان ملل متحد اعلام کرد که رژیم سومالی در مقابل واگذاری خاک سومالی به امپریالیسم آمریکا، سلاحهای مدرن دریافت می‌کند. دولت اتیوپی تأکید کرد که رژیم سومالی تلاش دارد تشنج را در منطقه افزایش دهد و تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه را به خطر انداخته است. رژیم سومالی با عدم تقویت قدرتهای غربی و رژیمهای مرتجع عرب به سرزمین اوکادنه که متعلق به اتیوپی است، چشم طمع دوخته است.

# انقلاب اکتبر و ایران

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که ۶۳ سال از پیروزی آن گذشته، گرچه در نگاه اول رویداد مربوط به کشور مشخصی بود، لکن در حقیقت تحولی بود در تاریخ سراسر جهان، و تحولی بنیادین و بیسابقه بود.

انقلاب کبیر اکتبر برای بار اول در تاریخ جهان انجمن نظام اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جدیدی آفرید، که همه اصول، معیارها و نهادهای راکه طی هزاران سال تاریخ جامعه بشری، بر مبنای تقسیم جامعه به طبقات استثمار کننده و استثمار کننده وجود آمده بود، منقلب و نابود ساخت و بجای آن اصول، معیارها و نهادهای مبتنی بر آزادی انسان زحمتکش، برابری خلفها و کشورهای دوستی و برادری میان آنها برقرار کرد. هر خلقی و هر کشوری در دنیا بنوعی از تاثیر حیات بخش انقلاب اکتبر بهره مند شد و میهن ما ایران نیز از این تاثیر سبسی بیزار بود.

میهن ما ایران از قریب دو سده و اندی سال پیش، یعنی از دوران حکومت زندیه، با نوساناتی، ولی هر بار پیش از بار پیش، در دام استثمار انگلیس و فرانسه و روسیه تزاری و دیگر استثمارگران گرفتار میشد. این روند نکتتبار بجای رسید که در اوایل قرن بیستم میلادی، ایران تقریباً به مستعمر تبدیل گشته بود. حاکمیت طبقات اشراف فئودال و خنیا، که حکومت قاجاریه نمایندگی آنها بود، خیانت و فساد این طبقات و این حکومت، که جز آبی در دست استثمار انگلیس و استبداد تزاری چیز دیگری نبود، ایران را در مذلت بارترین ادوار تاریخ خود قرار داده بود. اصولاً سارتبار کاپیتولاسیون، که در قرن ۱۹ میلادی بر اساس اصل کامله الواد مرتب گشته یافته بود، چیزی از استقلال ایران بقی نگذاشته بود. در تاریخ ۱۹۰۷ منتهی

میان دولت استعماری انگلیس و دولت تزاری روسیه درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ این دو دولت استعماری و غارتگر، داشت خط زوال بر وجود ایران پشیمانیه یک دولت مستقل و واحدی کشید. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، بر رهبری حزب کمونیست و پیشوای او، لنین، یاسرنگون ساختن دولت سرمایه داری - مملکتی و استعماری - امپریالیستی تزاری و بایر قرار کردن دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان و منهدم ساختن همه اصول و سیاستها و نهادهای جایزانه و قدرنامه راهزانه امپریالیستی در روسیه، در واقع بیدار کشور ما نیز رسید و میهن ما را نیز از خطر زوال محتوم نجات داد.

اولین خیر و برکت این انقلاب عظیم برای کشور ما این شد که یکی از دوطرف امضاء کننده قرارداد تقسیم ایران، یعنی حکومت استعماری - امپریالیستی تزاری را از بین برد، یعنی قرارداد نامبرده را بگور سپرد. بجا جای حکومت تزاری حکومت جدیدی - حکومت سوسیالیستی کارگران و دهقانان را در همسایگی ما بوجود آورد که در همه ادوار تاریخ خود مدافع استقلال و آزادی و تمامیت ایران، مدافع اراده توده های زحمتکش و محروم ایران و پشتیبان همه جنبشهای انقلابی ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردم ایران بوده و هست.

از نخستین اعلامیه های دولت نو زاد شوروی درباره تخریب ایران از نیروهای روسیه در سال ۱۹۱۷ و اعلام انذای قرارداد منقور در پاره تقسیم ایران و استرداد کلیه ثروتها و املاک و موسسات استعماری تزاری و انیاع حکومت تزاری در ایران بخود مردم ایران (طبق قرارداد ۱۹۲۱) و تضمین استقلال و تمامیت ایران و سپس کمک به تقویت اقتصاد ملی ایران در برابر نفوذ و سلطه سرمایه های امپریالیستی و همکاری در پیدایش و رشد موسسات اقتصادی دولتی در ایران، بر مسیت شناختن حق ایران در مورد تعیین تعرفه آزاد گمرکی، بر مسیت شناختن انحصار دولتی بازرگانی خارجی ایران، فراهم نمودن شرایط برای الفای رژیم کاپیتولاسیون در ایران و پیشقدم شدن در این امر و ... تا ایجاد نخستین

موسسات بزرگ صنعتی بنیادی در ایران (از قبیل کارخانه های ذوب آهن و مسین - سزی و غیره) و بالاخره دفاع بی دریغ از همه جنبشهای امیل و انقلابی مردم ایران و پشتیبانی قاطع از انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدها و توطئه ها و خطرات تجاوز مستقیم آمریکا و هندستان، - سراسر تاریخ سیاست شوروی درباره ایران در ۶۳ سال پس از انقلاب اکتبر، شاهد درخشان صداقت اتحاد شوروی با اصول انقلاب، به اثر - ناسیونالیسم بیولتری، به ارمان برادری و دوستی خلفا در نمونه مشخص میهن عزیز ما بوده است.

شناخت انقلاب کبیر اکتبر، درک ماهیت سوسیالیسم، توانائی دیدن واقعیت های تاریخ گذشته و امروز کشور بزرگ همسایه شمالی ما برای انقلاب ما و جمهوری اسلامی آراد و مطلق ما دارای اهمیت بی مراتب بزرگتر از آنست که بتوان در این مختصر آنرا شرح و توضیح داد. در کمال تأسف باید بگوئیم که در یک دوران طولانی پیش از نیم قرن، رژیم پهلوی، ادارات تبلیغاتی، آموزش و پرورش و مراکز اطلاعاتی، امنیت و جاسوسی پهلوی، دستگاههای جاسوسی فلیس جنوب و بعد شرکت نفت جنوب و بعد کنسرسیوم نفت و مراکز تبلیغاتی ایتالیایی سرویس و سیا و موساد و ساواک و محافل ارتشی و پلیسی و ژاندارمری شاهنشاهی و عظام السلاطین و در بیست - سی سال اخیر گروهکهای فروتکستی و آفاژیستی و مائوئیستی و انواع تریجه های پوک دیگر، پادستگاه عظیم و پول فراوان و امکانات شگرف مالی و سیاسی خود در کشور ما، در میان مردم سده، در میان روشنفکران و روحانیان، در ادارات کنسوری و لشکری، در مسجد و بازار و مدرسه و دانشگاه تبلیغ ضد شوروی کرده اند، چه دامستانها که بهم نبافته اند، چه هذیانها که نگفته اند، چه اباطیل که تحویل مردم نداده اند. کوهی دروغ، بیپتان، افترا و گمراهی در مورد اینکه اولاً لنین و جاسوس آلمان بود و آمده بود روسیه را پسودالمان نابود سازد و ثانیاً انقلاب اکتبر برای محو شخصیت انسان، فتابودی دین و ایمان، فهایمال کردن عصمت و ناموس، دبلیندن خلفا و

کشورها و غیره و غیره بوده است و ناک - حکومت بلنویکها هر چه بگویند «دروغ است» و هر کاری بکنند محیله است. میداد، میدا یاور کشید و «در دانش بیقیته!» و انواع «هتداره» در ایمن زمینه ها...

تأسف عمیق تر از اینست که رسوبات این تبلیغات سر تا پا دروغ و باطل پنجاه سال گذشته بر عقول و قلوب بسیاری از افراد صدیق کشور ما بقدری ضخیم و سخت است که حتی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و سرنگونی رژیم ضد نشاننده امپریالیسم و استقرار رژیم ضد امپریالیست و مردمی جمهوری اسلامی ایران هم هنوز برجای خود باقی است. کسانی، حتی قبول ندارند که کشور همسایه شمالی ما اسمی ذات اتحاد شوروی است و نه «روسیه» و برخلاف همه واقعیتها و اصول و قواعد، که باید هر کسی را بنامی صدا کنند که بعد از تولد پاره داده اند، باز هم در نهایت اصرار میگویند: «روسیه»!

و اشکال تنها بر سر درست نامیدن همسایه شمالی نیست، بلکه بزرگترین اشکال در این است که عدمای بیگانه، گرفتار در دام مقولات تبلیغاتی دوران طاغوت، کماکان فورمولهای ضد شوروی و ضد سوسیالیستی دوران طاغوت را تکرار می کنند و عدمای آگاهانه باین کارزاروا دامن میزنند. و نتیجه همه این جریانها این میشود که، کشور آزاد و ازبند رسته ما در مقابل توطئه ها و تجاوزات و خصومت های حیوانی امپریالیسم جهانی، بسرگردگر آمریکا، نمیتواند از صمیمی ترین دوست و مدافع صدیق و بی غل و قش خود، انظور که لازم و شایسته است، استفاده کند و در اسارت فورمولهایی که بدست ماوران امپریالیسم وارد مقولات سیاسی رایج کشور ما شده، قرار میگیرد. نتیجه نهائی این جریان ساگر توفیق حاصل گشت این میشود که، دخل برزینسکی، بگرسی مرتبیتند و ایران انقلابی بدست خود، خود را از بزرگترین مدافعان در سطح جهانی محروم میسازد. برای تصور اهمیت انقلاب اکتبر یک دقیقه تصور کنید که اگر همان حکومت تزاری امروز باقی بود، وضع کشور ما چگونه بود و تصور کنید که اگر آمریکای خونخوار یقین حاصل

کند که ایران انقلابی واقعا تنها و بی یار و بی کسی است، چه یلانی بر سر کشور ما خواهد یارید

ما یکبار پیشنهاد کرده ایم و بار دیگر بر پایه صداقت به میهن انقلابی خود ایران و جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد خود را تکرار می کنیم که:

**هیتر بعنوان هیئت حسنیت و دوستی هر کب از روحانیان مبارز، علمای متعهد، نمایندگان دیگر اقشار میهن - دوست کشور برای شناخت اتحاد شوروی و سوسیالیسم بکشور همسایه ترا بشوند. این هیئت خوشی بطور مستقیم در موسسات تولیدی مراکز فرهنگی و آموزشی، مراکز دینی و تبلیغاتی، در میان خانواده ها و منازل و در هر جای دیگر شوروی که این هیئت مر خواهد، به بررسی واقعیت های کشورهای پیردازد، هر آنچه را که لازم دانست از نزدیک و بچشم خود مشاهده کند و پس از مراجعت به ایران، دوباره آنچه در شوروی دیده و به صحت آن یاور کرده، به رهبران جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران گزارش بدهد.**

ما حق نداریم چشم خود را در اسارت تبلیغات نیم قرن رژیم پهلوی قرار دهیم و یک واقعیت بزرگ تاریخی راه، که جهان جور و ستم را زیر وزیر کرده، همچنان نادیده بگیریم. پس از ۶۳ سال هم که شده، بالاخره مردم ایران باید بدانند که در خانه همسایه واقعا چه رخ داده و کارش بکجا کشیده است.

در داخل کشور باید خلق را از ضد خلق، انقلاب را از ضد انقلاب تشخیص دهیم. در عرصه جهانی هم باید بدین کمترین پیشداوری، دوست انقلاب و دشمن انقلاب را از هم باز شناسیم. یکنه چنین مرز بندی اصولی و قطع یکی از شرایط صده بیست و نهمی است. انقلاب و تحکیم و پیشروی جمهوری اسلامی ایران در مسیر حق و عادلانه خویش است.

ما اطمینان داریم که دوستی خلفا و دولتهای ایران و شوروی، بر اساس احترام به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، مناسبات برابر حقوق و پاسود متقابل، تحکیم خواهد شد و گسترش خواهد یافت.

**نغمه مرفوم**  
آنگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 365  
8 November 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

## هشدار سازمان حزب توده ایران در مهاباد درباره فعالیت عوامل ضد انقلاب

حزب توده ایران - سازمان مهاباد روز ۹ آبان با انتشار اعلامیه ای در مورد فعالیت عوامل ضد انقلاب در این منطقه به اهالی مهاباد هشدار داد.

در این اعلامیه می خوانیم:

مردم پرزنده و صلحدوست مهاباد: در شرایطی که آثار شوم درگیری اخیر در شهرمان باقی است و مردم از عوارض ناشی از آن، رنج می برند، عوامل ضد انقلاب و جنگ افروز، که در راه دستیابی به اهداف شوم آربابان خویش از هیچ جنایتی رویگردان نیستند، در صدد جنگ دیگری را به مردم صلحدوست مهاباد تحمیل کنونی با سرقراردادن زانو کودکان و سنگر گرفتن در خانه های مردم، شهرمان را بار دیگر به آتش و خون بکشانند. عوامل ضد انقلاب در چند روز اخیر با شایعه پراکنی، ترور و ایجاد جوی مسموم و منتشر و سازمان دادن نیروهای خود، سعی در ایجاد درگیری مجدد دارند.

به دنبال حمله نظامی رژیم جنایتکار بهت عراق و در پی شکست توطئه های امپریالیسم

آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، عوامل ضد انقلاب و جنگ افروز در کردستان در صددند که با بوجود آوردن درگیری در شهرهای کردستان از یک طرف با ایجاد سدی کاذب بین خلق ستمدیده کرد و انقلاب ایران، وحدت خلقهای میهنان را در میاززه یا امپریالیسم آمریکا و رژیم غدار بهت عراق خنثه دار سازند و از سوی دیگر، نیرو های مسلح جمهوری اسلامی ایران را در داخل کردستان سرگرم و موجبات پیشروی نیرو

های تجاوزگر عراق را فراهم سازند.

ما از تمام شهرویان آگاه و نیروهای انقلابی و وفادار به جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که در مقابل این توطئه های ضد انقلابی، که از جانب عوامل امپریالیسم و بهت عراق سازمان داده می شود، هوشیاری انقلابی خود را حفظ و یا افترا و طرد جنگ افروزان از صلح و آرامش در شهر پاسداری کنند.

**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است**

تایش ۵۰۰۰۰ ریال  
میانه ۱۵۰۰ ریال  
سایر ۲۵۰۰ ریال  
پس از لندن ۲۰۰۰۰ ریال  
کلسرخر از هامبورگ ۴۰۰۰۰ ریال

همر رفیق محمد تعدادی سکه طلا و تعدادی گوشواره و آویزه طلا

کارگران انتشارات پیک ایران ۱۵۰۰ ریال

**آمادگی کارکنان سازمان آب منطقه ای برای دفاع از میهن انقلابی**

بر آموزش نظامی کارکنان سازمان آب منطقه ای تهران، به ستاد بسیج مستضعفین آمادگی مضای خود را برای دفاع از میهن اعلام کرد. در این نامه با اشاره به تقاضاهای قبل این کتون جنبی

کانون مستقل کارکنان سازمان آب منطقه ای تهران، ضمن نامه ای به ستاد بسیج مستضعفین آمادگی مضای خود را برای دفاع از میهن اعلام کرد. در این نامه با اشاره به تقاضاهای قبل این کتون جنبی

بر آموزش نظامی کارکنان سازمان آب منطقه ای تهران، به ستاد بسیج مستضعفین خواسته شده است تا در جهت آموزش نظامی امضاء این کتون اقدام لازم را به عمل آورد.

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم**

علاقندان می توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی پیردازند.